

راستگرایان افراطی تدارک سرکوب انقلاب را می بینند

ای حلقه های مهربانی

پدر را در میان گیرید

یا قوت یگانه ما را

راستگرایان، مدافعان کلان سرمایه داری و بزرگ زمین داری، پشتیبانان پایه های اقتصادی-اجتماعی گذشته سیاه، یکبار دیگر تدارک حلقه جدید ننگینی را در زنجیر جنایتکارانه خود علیه پاکترین و جانثارترین فرزندان خلق، طبقه کارگر و زحمتکشان روستا می بینند.

تدارک "دادگاهی" را می بینند، که دنباله خط سیاه و افشا شده "دادگاه ۵۳ نفر" (۱۳۱۶) توسط رژیم منفسور رضاخانی، "دادگاه سران حزب توده" (۱۲ اسفند ۱۳۲۷) توسط رژیم خائن محمد رضا شاه و دنباله "دادگاههای" ننگین پس از کودتای امپریالیستی ۲۸ مرداد ۳۲ علیه افسران توده های (۳۴-۱۳۲۳)، علیه خسرو روزبه (۱۳۲۷)، قهرمان ملی ایران، علیه حکمت جو و خاوری (۱۳۴۵)، علیه صابر و آصف (۴۶) علیه گلسرخ و دانشیان (۱۳۵۲) و علیه تیزابی ها و دیگر توده ای ها است.

در تمام این "دادگاهها"، که همه بسنه دادگاه خلق علیه رژیم ارتجاعی و حامیان امپریالیستی آن تبدیل شد، پاکترین فرزندان خلق بر نیکت اتهام نشسته بودند. "جسیم" همه آنها یکی بود:

میمن دوستی، عشق به زحمتکشان، کوشش برای سر بلندی خلق های میمن ما، رزم خستگی ناپذیر برای تحقق استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی.

بقیه در صفحه ۸



جمعه ۱۲ فروردین ۱۳۵۸ مطابق ۲۷ خرداد ۱۳۵۷
۱۶۰۳ و افروز آریه سبیل
سال اول - شماره ۳۵
پهنا ۱۰ سانتی متر

دستاوردهای انقلاب پیروزمند: تحولات بنیادی است

امام خمینی: " (در جمهوری اسلامی) حساب ایمن سرمایه دارهایی که بر زدند و معلوم است که این سرمایه دارها اموالشان روی مشروعیت به این زیادی نمی شود، از اینها حساب می کشند و آن مقداری که غیر مشروع است از ایشان مصادره می کنند. " (جمهوری اسلامی ۵۸/۸/۱۳)

"امید آن است که رسیدگی به حال مستضعفین و مستندان کشور که قسمت اعظم ملت مظلوم را در بر می گیرد در راه برنامه ها قرار گیرد و در نخستین مجلس شورای اسلامی طرحهایی جوی در راه حال این طبقه محروم داده شود تا در پیشگاه خداوند متعال بعضی از دیون خود دتان را به این طبقه عزیز که جان خود را برای اسلام و آزادی و استقلال کشور در طبق اخلاص گذاشته و پیروزی را برای انقلاب اسلامی به ارمغان آوردند، ادا کرده باشید.

طرحها و پیشنهادهایی را که مربوط به عمران و رفاه حال ملت خصوصاً مستضعفین است انقلابی و با سرعت تصویب کنید.

پیام به مناسبت گشایش مجلس شورای اسلامی جمهوری اسلامی ۵۹/۳/۸

با مرور این بیانات و بیانات متعدد دیگر امام، که همگی برنامه های انقلاب پیروزمند بود، که همگی دستور کار ارگانهای انقلابی و دولتی بود، این نتیجه منطقی حاصل می شود، که انقلاب با وجود جانثاری و جانفشانی و زحمتکشان برای آن و برای حفظ دستاوردهای

رای ۱۸ میلیون ایرانی به فرزندم جمهوری اسلامی ایران برای "رسمیت یافتن حکومت مستضعفین پرستگبرین" بود

" ما مدتهاست که بر اساس مشی خود به سوال مربوط به جمهوری یا سلطنت، به سود جمهوری رای دادیم. در مورد نام این جمهوری، ما به همان ترتیب که آیت الله خمینی مسئله را مطرح میکنند، یعنی "جمهوری اسلامی"، چنانکه در گذشته نیز تشریح کرده بودیم، رای مثبت میدیم، زیرا اصل مطلب، محتوی سیاست حکومتهاست.

مردم رنج دیده و ستم کشیده، میهن ما که با قیام خونین خود یکی از جبارترین نظامهای تاریخ بشری را سرنگون نمودند، به نیت ساختن

بقیه در صفحه ۱۰

روز دوازدهم فروردین سال ۱۳۵۸، مردم ایران به پای صندوقهای رای رفتند، تا پیروزیهای مسلم خود که در صحنه های نبرد روزهای ۲۱ و ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ بدست آوردند، بپوشانند، لباش قانونی ببوشانند. امام خمینی روز ۱۲ فروردین را "سالروز رسمیت یافتن حکومت مستضعفین پرستگبرین" خواندند.

کمیته مرکزی توده ایران، یک ماه قبل از برگزاری همه پرسی درباره جمهوری اسلامی، اعلامیه انتشار داد و از مردم دعوت کرد که به "جمهوری اسلامی" رای آری دهند. در اعلامیه گفته میشد:

احزاب برادر و نیروهای ضد امپریالیستی از حزب توده ایران دفاع می کنند

تا بحال خبرهای دقیقی از اتهاماتی که علیه رهبران حزب توده ایران مطرح میشود در دست نیست. اگر به گفته های برخی مخالف رسمی جمهوری اسلامی ایران استناد کنیم، این دست گیریها در ارتباط با "جاسوسی بسود کشورهای شرقی بوده است". البته این بار هم خبرگزاری های غربی سخت فعال شدند تا اتهامات فوق را در بوق و کرنا بدمند.

اینگونه اتهامات رد یلان علیه کمونیست هها، علیه مبارزان راه آزادی، استقلال ملی و عدالت اجتماعی چیز نوی نیست. باز هم کسانی میشوند

بقیه از صفحه ۲

روزنامه "رابو تیچسکو دلو" ارگان کمیته مرکزی حزب کمونیست بلغارستان در مقاله ای زیر عنوان "آزمون سخت در برابر انقلاب" در پاسخ یکی از خوانندگان خود که رویدادهای اخیر ایران برایش شگفت انگیز و غیر قابل فهم بوده چنین مینویسد:

دستگیری گروهی از رهبران حزب توده ایران و از جمله رفیق نورالدین کیانوری دبیر اول کمیته مرکزی آن، در آغاز فترت سال جاری در تهران، همچنان مایه نگرانی جدی در مورد سر نوشت این رفقای زندانی است که در انقلاب ضد سلطنتی ایران در سال ۱۹۷۹ شرکت فعال داشتند.

زنده باد حزب توده ایران مدافع راستین استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی

احزاب برادر و نیروهای ضد امپریالیستی از حزب توده ایران دفاع می کنند

بقیه از صفحه ۱

این حقه قدیمی امپریالیستی را به کار گیرند . بجاست پرسیده شود چرا این کارها در ایران انجام میشود ؟

همه میدانند که حزب توده ایران بطور فعال در مبارزه ضد امپریالیستی و در انقلاب فوریه سال ۱۹۷۹ شرکت داشته است . پس از پیروزی انقلاب ، مستقل از بغرنجی زیاد وضع سیاسی داخلی ، حزب توده ایران از سیاست روحانیون حاکم حمایت میکرد و می پذیرفت که پایه خط امام خمینی شخص کننده جنبه های مردمی و ضد امپریالیستی انقلاب است .

این مشی سیاسی حزب توده ایران اصولی و تغییر ناپذیر بود و تحقق بگیرات این مشی در فعالیت عملی حزب که خود را مسئول سرنوشت انقلاب میدانست بازتاب می یافت .

هیچ دلیل دیگری برای ایراد اتهامات واهی علیه رهبران حزب توده ایران نمیتوان یافت جز اینکه آنان بطور بیگیز از مبارزات کارگزاران ، دهقانان و دیگر زحمتکشان کشور پشتیبانی میکردند .

بازداشت رهبران حزب توده ایران بمنابہ وارد آوردن ضربه بزرگی است که در ایران و خارج از مرزهای آن از محبوبیت و احترام فراوانی برخوردار است . بدین جهت این هجوم تنها از جانب آن نیروهایی میتواند صورت گرفته باشد که در چهره این حزب مانع بزرگی بر سر راه خود می بینند و میکوشند آنرا از صحنه سیاست خارج کنند . این نیروها نه با دوز و کلک های امپریالیستی بیگانه هستند و نه فراموش کردمانند که طی تاریخ چهل سال اخیر ایران هر هجوم ارتجاع داخلی و پشتیبانان خارجیش علیه منافع مردم ایران ، علیه استقلال - آزادی و دموکراسی در ایران ، بدوین استثناء ، با هجوم همه جانبه علیه حزب توده ایران آغاز شده است .

حمله به حزب توده ایران با قصد تخریب در مناسبات دوستانه و اعتماد متقابل میان ایران و کشورهای جامعه سوسیالیستی و بهیژه اتحاد شوروی صورت گرفته که نه یکبار ثابت کرده است که مایل به ایجاد مناسبات حسن همجواری و دوستی با ایران میباشد .

حوادث اخیر در یکی از حساس ترین لحظات تاریخ ایران روی میدهد . این نشانگر آنست که انقلاب ایران در برابر آزمونی سخت قرار گرفته و در کشور نیروهای محافظه کار ارتجاعی فعال شده اند .

سرنوشت انقلاب وابسته به اینست که آیا

اجازه داده خواهد شد این نیروها مسلط شوند یا نه .

روزنامه " دلی ورد " ارگان کمیته مرکزی حزب کمونیست آمریکا در مقاله ای زیر عنوان " بازداشت رهبران حزب توده ایران چنین مینویسد :

در روز ۱ فوریه در تهران ، رهبران حزب توده ایران بازداشت شده اند . دستگیری بر اساس اتهاماتی بی پایه جاسوسی و جعل اسناد می باشد .

کمیته مرکزی حزب توده ایران ، در بیانیه ای درباره بازداشت های اخیر میگوید : یاد آوری این واقعت بجاست ، که تاریخ چهل سال ایران نشان داده است که هر هجوم گسترده امپریالیسم بر منافع و صالح ملت ایران ، استقلال و آزادی دموکراسی در کشور یا حمله سرتاسری آن علیه حزب توده ایران ، آغاز شده است .

کمیته مرکزی حزب توده ایران میسازد : " همانطور که بارها حزب توده ایران هشدار داده است ، بار دیگر هشدار میدهد که توطئه سهمگین و عظیمی است که علیه انقلاب ضد امپریالیستی و مردمی ایران در مراحل تعیین کننده و حساس میهن انجام می پذیرد و هدفش سرکوب انقلاب و براندازی جمهوری اسلامی ایران است .

کمیته مرکزی به نقل از نامه سرگشاده ۱۸ ماه مه کیانوری دبیر اول حزب توده ایران ، به مقامات ایرانی چنین مینویسد : " جرم ما اینست که از دیر زمان راه انقلاب را بدستی تشخیص داد ایم . جرم ما این است که دوستان و دشمنان انقلاب ایران را چه در درون میهن و چه در صحنه جهانی بدستی شناخت ایم . جرم ما اینست که با روشنی و بیگیری بر مواضعی که به آن صادقانه معتقدیم ، ایستاد ایم .

هیئت اجراییه حزب کارگری کمونیست سوئد در نامه ای که در تاریخ ۱۷ فوریه ۸۲ در روزنامه ارگان این حزب درج شد ، خواستار آزادی رفقای رهبری حزب و دیگر اعضای آن شدند . در این نامه که به سفارت ایران در استکهلم تسلیم و از طریق آن به دولت جمهوری اسلامی ایران ارسال شد ، هیئت اجرایی حزب برادر ریس از ذکر خیر دستگیری رفقا و بی پایه خواندن اتهامات وارده به آنها از حزب ما تجلیل کرده می نویسد : " حزب توده ایران ، حزب طبقه کارگر ایران ، طی ۴۱ سال قهرمانانه و بیگرانته بر علیه استبداد

سلطنتی ، کلان سرمایه داری ، بزرگ مالکی و بر علیه رژیم مغرور شاه مبارزه کرد ما ست . حزب توده ایران با تمام توان خود در انقلاب فوریه ۱۹۷۹ شرکت کرد و نقش تعیین کننده در تحکیم و تعمیق دستاوردهای ضد امپریالیستی و مردمی انقلاب ایفا می کند .

دشمنان انقلاب ، امپریالیسم و ایسادی داخلی اثر هم اکنون تلاش دارند تا با توطئه چینی دستاوردهای انقلاب و جمهوری اسلامی ایران را نابود سازند . به همین جهت نیز شیروهای ارتجاع حمله خود را متوجه حزب توده ایران ، قاطعترین مدافع استقلال ، آزادی و عدالت اجتماعی می کنند . هیئت اجراییه سپس با اشاره به تضمین امام خمینی درباره آزادی فعالیت برای نیروهای غیر محارب ، ادامه می دهد : " مانعیت بیه دستگیری نورالدین کیانوری و دیگر رهبران حزب توده ایران اعتراض می کنیم . ما خواستار آنیم که دولت جمهوری اسلامی ایران بلافاصله اقدام به آزادی این زندانیان نماید و حق قساوتی حزب توده ایران برای آزادی فعالیت در جهت تحکیم انقلاب ایران را تضمین نماید .

پشتیبانان انقلاب ایران در انگلستان خواستار آزادی رفیق کیانوری و دیگر عناصر مترقی در ایران هستند

در حالیکه تشدید تضیقات بر حزب توده ایران با دستگیری رفیق کیانوری و سایر رهبران حزبی طی یک توطئه گسترده راستگرایان و عمال محافل سرمایه داری ادامه دارد و این محافل در رسانه های گروهی خود درباره بهبود مناسبات آتی خود با ایران و " لیبرالیزه " شدن فضای سیاسی و اقتصادی ایران درفشانی می کنند ، محافل کارگری و مترقی در کشورهای سرمایه داری غرب ، یعنی بخشی از مدافعان واقعی انقلاب و خط ضد امپریالیستی و مردمی آن نگران سرنوشت انقلاب می باشند . آنها این اقدامات راستگرایان و مخالفان تحولات بنیادی بنفع زحمتکشان ایران را شدیداً محکوم می کنند و آنرا مغایر با صالح انقلاب و اقدامی در خدشت مت امپریالیسم و ارتجاعی دانند .

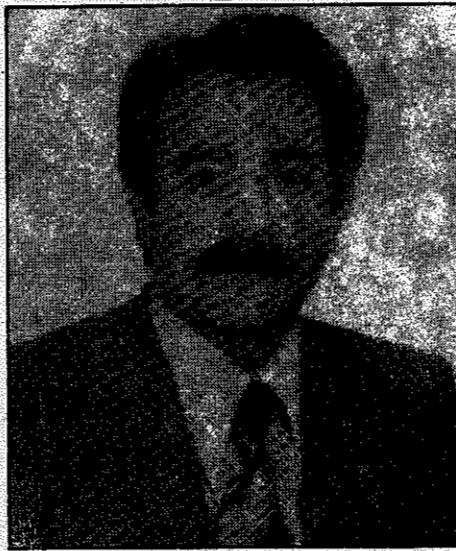
از لحظه پیروزی انقلاب خونین مردم ما ، احزاب و سازمانهای کارگری و مترقی در کشورهای پیشرفته سرمایه داری در زیر باران بی وقفه تبلیغات سوامپریالیسم و با وجود پیچیدگی رویدادهای ضد و نقیض در روند مبارزات سیاسی جامعه ما ، به کمک نظریات حزب توده ایران ، خط ضد امپریالیسم

بقیه در صفحه ۳

درد بر کمیته مرکزی حزب توده ایران

رفیق رضاشلتوکی :

سازمان دهنده مقاومت زندانیان در ۲۵ سال زندان



رفیق شلتوکی، که راه بنیاد قطعیتی را از سازمان جوانان حزب توده ایران آغاز کرده بود، پس از اخذ درجه افسری در سازمان نظامی حزب توده ایران به فعالیت خود ادامه داد. وی در شهریور ۱۳۴۴ بدنبال کشف شبکه این سازمان زندانی شد و از آن وقت در دوران ۲۵ ساله‌ای آغاز شد که طی آن رفیق شلتوکی حصائل عالی حزبی و انسانی و سیاسی و سازماندهی خود را ظاهر ساخت.

جلادان شاه مخلوع نتوانستند او را برزاق در آورند. برعکس او بود که تمام شرایط مهیب تحلیلی را در برابر آزاده خویش در هم شکست و سازمان دهنده مقاومت جمعیتی زندانیان سیاسی و مزیی تسلط جوان مبارز شد. رفتار رفیق شلتوکی نمونه بارزی از رفتار یک مبارز آگاه و بیکر است در زندان و در مقابله با سخت‌ترین شرایط، چه از نظر محیط شکنجه و آزار از جانب زندانبانان و چه از نظر جستجو ایدئولوژیک ناسالمی که گاه حاکم میشد. نسام او نه فقط در دفتر نبرد سیاسی بلکه در آثار ادبی درج است. تبعید در برازجان و سایر لهای زندان در اوین و قصر و مشهد و برازجان و همچنین شکنجه گاه "کمپه" هم او را آبدیده و محسوس کرد و هم عده زیادی از جوانان را در مکتب او که مکتب حزب توده ایران مکتب نبرد بود که صد امیربالیستی و آزادخواهانسه است، پرورش داد.

رفیق شلتوکی با لیکنند گرم و خوش بینسی ژرف خود، با فروتنی و وزه و قدرت نسوه خود، محبت و احترام همکاران را نسبت بخود جلب کرده است. برای او تمام این مثالهای افتخار آفرین و حماسه‌های فراموش نشدنی، مسائلی است که املا عادی به هر نودهای هر مبارزی، بنحوی کاملاً بدنی میبایست و مساوست انجام دهد.

در آبان ماه ۵۷، میر دلیرانه خلق ما، که سه مرفه به بیروزی نزدیک شود، درهای زندان را بر-

رفیق رضاشلتوکی، عضو هیئت سیاسی کمیته مرکزی حزب توده ایران، یکی دیگر از رهبران حزبی است که به اتهام "جاسوسی" بازداشت شده است.

رفیق شلتوکی یکی از اعضا سازمان افسری حزب توده ایران بود که ۲۵ سال در سباه‌های رژیم شاه بسر برد. بدنبال سرری دوباره او با "اتهامات" مشابه است که رژیم ستم‌ساهی نیز به او و یاران در زندانش می‌زد. اما نسبت به زندانبانان این "اتهام" در وین و ساواک و امرتالسم ساخته بهرین سند تاریخی برای افسران دسی است که برای ضربه زدن به حزب ما و از این طریق به انقلاب ما بالا رفته است. رفیق شلتوکی یکی از افسران نوده‌ای است که بیست و پنج سال و بیشتر در زندانهای شاه معدوم همانند سحره یولادین مقاومت کرد و برحسب حزب توده ایران و مردم قهرمان را علیه سردمداران نظام فاسد و خو خوار بینین افزاشته و سر بلند نهداشت.

رفیق شلتوکی در سال ۱۳۰۵ در کرمانشاه متولد شد. تحصیلات ابتدایی و حشبی از موسسه را در کرمانشاه گذراند و در تمام این مدت و پس از آن نیز در کنار خلق کرد بوده و با تمام مسائل و خواست‌های حشبی و حفاش از نزدیک آشنا شد. وی در سال ۱۳۱۹ در تهران تحصیلات متوسطه را تمام کرد و در سال ۱۳۲۲ فارغ التحصیل دانشده تهروری هوانی شد. رفیق شلتوکی برای معمول مدارج ترفی و دست یابی به یک زندگی مردم فردی و ارشد شده بود. آرمانهای پرین مجر و قلب او را تسخیر کرده بود. از سال ۱۳۱۴ مبارزه سیاسی را در صفوف حزب توده ایران آغاز کرد و برای حل مشکلات توده مردم زحماتش سراسر مهنی حشبی و حل مسائل ملی حشبی خلق کرد و در همین راه راستین را یافت.

وی زندانیان سیاسی کشور و رفیق شلتوکی نیز باغوش مردم میهن خرد بازگشت و یکسره و با تمام جان و دل در مسئولیت خطر عضو هیئت سیاسی کمیته مرکزی حزب توده ایران، بکار سازماندهی و احیای شکلات حزب پرداخت. تجربه عینی سیاسی و عملی رفیق رضاشلتوکی، آشنائی او با سبکهای مختلف و کراسه‌های مختلف زندانیان سیاسی، آگاهی او بر مسائل و خواست‌های خلق کرد و همه مردم زحمتکش ایران برای حزب و برای خلق کرانیها است.

راکتی دشمنان انقلاب و خلق میکوشند با دستگیری او و یارانش را هلاک سازند و انهم در زمین دستگیران و با رفتن او به خون مبارز گردانند و ایران را به صحنه بیخبری و ساد و مجد د امپریالیست و ارتجاع تبدیل سازند.

رفیق شلتوکی با پیوستن تجربه سیاسی و آگاهی جسمانی اش به آشتی ناید. در نبرد عیسسه امپریالیستی و وفاداری به خلق همیشه و در همه حال خدمتگزاری خود را بمسئولیت و مردم و طبقه کارگر ثابت کرده است.

احزاب برادر و نیروهای ضد امپریالیستی از حزب توده ایران دفاع می‌کنند

بقیه از صفحه ۲

لیستی و مردمی امام خمینی را شناخته و همواره در جو سیاسی نا مساعدی از آن دفاع کرده و به افشای دشمنان انقلاب از هر طرف و رنگی پرداخته و می‌پردازند.

در مراسمی که از طرف بخش لندن حزب کمونیست بریتانیا به مناسبت چهارمین سالگرد انقلاب مردم ایران تحت عنوان "حزب توده ایران و انقلاب ایران" در لندن برگزار گردید، نمایندگان سازمان هواناران حزب توده ایران در بریتانیا ضمن سخنانی پراز شرح تحولات اخیر، یورش به حزب توده ایران و بازداشت رهبران حزبی از جمله رفیق کیانوری را نوظنه جدید راستگرایان در جهت مسخ انقلاب و حالی کردن آن از محتوای ضد امپریالیستی و مردمی اش دانسته و آنرا در

واقع مدی برای تحقق خواستهای اساسی و مردمی انقلاب و حمله ای به دستاورد های کراسه‌های آن خواندند. رفیق جری پولک مسئول بخش بین‌المللی حزب کمونیست بریتانیا همین یکی بیانیسی ضد جلیل از انقلاب ضد امپریالیستی و مردمی ایران و اعلام مجدد پشتیبانی حزب خود از خط ضد امپریالیستی و مردمی آن، اقدام اخیر راستگرایان در تشدید تصبیقات به حزب توده ایران و بازداشت رهبران حزبی را محکوم کرده آنرا سر آغاز یورش به تمامی دستاورد های انقلاب و حرکتی در جهت منحرف کردن گرایش اصلی انقلاب دانست.

رفیق پولک در سخنان سخنانی خود، پشتیبانی و همبستگی حزب کمونیست بریتانیا را با حزب توده ایران و سایر نیروهای مترقی ایران اعلام داشت. گزارش این مراسم که در تاریخ ۱۷ فوریه برگزار گردید،

در روزنامه مونیخ استار "بازگو کننده نظریات حزب کمونیست بریتانیا، درج شد. همچنین طبق نوشته همین روزنامه، در تاریخ پنجشنبه ۲۴ فوریه از طرف استن کول رئیس مجمع اتحادیه کارگران فن شمال منچستر طوماری به کنسولگری جمهوری اسلام می ایران در منچستر تحویل داده شد، که توسط آن شخصیت‌های مهم جنبش سندیگانی و کارگری انگلستان خواستار آزادی رفیق کیانوری دبیر اول حزب توده ایران و دیگر عناصر مترقی شده بودند.

شعب کمیته دفاع از انقلاب ایران، از جمله در نیوکاسل، میدلند و در منطقه غربی بریتانیا، به مناسبت چهارمین سالگرد انقلاب شکوهمند ضد امپریالیستی و خلق ایران مراسمی برگزار نمودند، که مورد استقبال قرار گرفت. در این برنامه ها گروه کرایسانی منچستر سرود های انقلابی بقیه در صفحه ۱۵

چگونه آمریکای لاتین علیه فرمانروائی امپریالیسم می رزمند؟

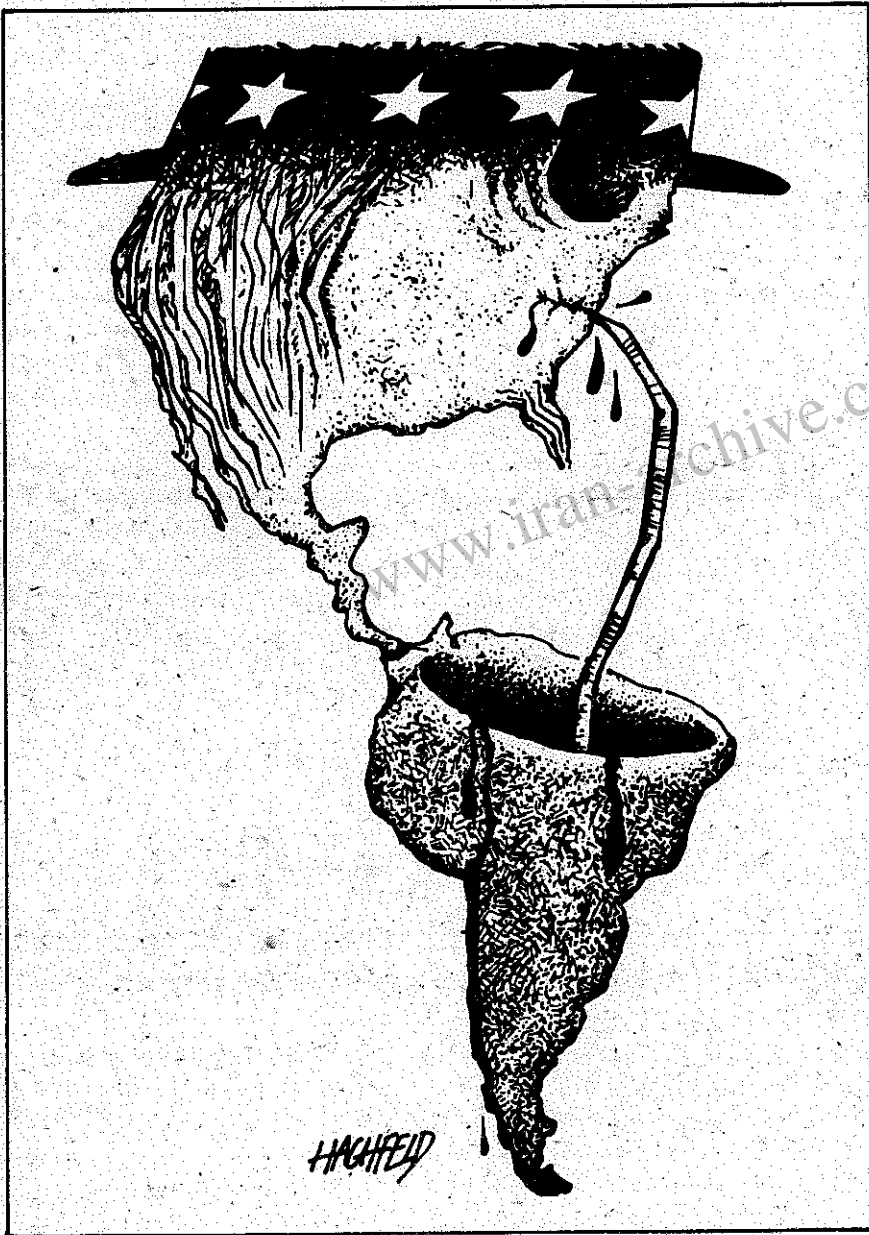
مرحله کنونی توسعه جهانی با حاد شدن بحران عمومی سرمایه‌داری مشخص می‌شود. این روند عمیق و قانونمند خصلت سراسری دارد. در هر يك از نقاط جهان با شدت بیشتر یا کمتر میتوان علائم آنرا دید. آمریکای لاتین هم از این حکم مستثنی نیست. صرفنظر از تلاشهای امپریالیسم بین‌المللی و بویژه امپریالیسم آمریکا برای نگاهداشتن این منطقه زیر کنترل سیاسی خود در آنجا جریان‌های نیرومند آزادی‌بخش برای کسب استقلال واقعی و تحقق عدالت اجتماعی در حال شکل گرفتن است.

آن‌زمانهایی که آمریکای لاتین "حیاط اند-رونی" امپریالیسم آمریکا محسوب می‌شد دیگر سپری گردیده است. نظام کنترل همه‌جانبه نظامی و سیاسی و سلطه اقتصادی که طی دهها سال توسط امپریالیسم آمریکا تحمیل شده بود با پیروزی انقلاب شکوهمند کوبا دچار زلزله جدی گردید. این پیروزی، افسانه وابستگی غیرقابل اجتناب کشورهای آمریکای لاتین و خلق آنها را به همسایه نیرومند آمریکای شمالی کهنه کرد. مبارزه خلقهای آمریکای لاتین با غارتگران داخلی و خارجی و بمنظور ساختن جامعه‌های بر پایه عدالت اجتماعی روندی در خط مستقیم و آسان نیست. این مبارزه جز روند زیادی را ندیده، موفقیت‌ها گاه، ناکامیهای موقت را بدنبال داشته و پیروزیها یا عقب‌نشینی‌ها همراه شده است. کافی است که به وضع در شیلی در پایان دهه شصت و آغاز دهه هفتاد توجه کنیم که سه پیروزی نیروهای دموکراتیک به شکست آنها بر اثر کودتای فاشیستی سازمان داده شده توسط سی-آی-ای انجامید. اما عقب‌نشینی موقت، در بخشهای معینی از جبهه مبارزه آزاد بیخبر، بمعنی شکست نیست.

ویژگی روند آزاد بیخبر انقلابی ضد امپریالیستی در منطقه آمریکای لاتین بمقدار زیادی مربوط به این اوضاع و احوال است که در بیشتر کشورهای این منطقه نوعی توسعه حاکم شده که باید آنرا بطور مشروط سرمایه‌داری وابسته نامید. یکی از قانونمندبهای اصلی اینگونه توسعه این است که رونق نیروهای مولده پیوسته همراه بسا پدیدایش مشکلات حاد اجتماعی-اقتصادی میگردد. بطوریکه طی سی سال گذشته گرچه رشد اقتصادی اکثر کشورهای آمریکای لاتین بسیار سریع بوده و کل محصولات منطقه تقریباً پنج برابر شده است، معهدا اکثریت عظیم اهالی از ثمرات این ترقی اقتصادی بی‌بهره مانده‌اند. سهم آنان، مانند گذشته تنها فقیر و بیعدالتی اجتماعی بوده است. هیچگونه تغییری در بیکاری وسیع و مزمن نظام ضعیف آموزشی، حفظ تندرستی و درمان و بیمه‌های اجتماعی پیدا نشده و روشن است که همه اینها منجر به رشد و خامت اجتماعی میگردد و در گرایش اصلی در مقابل هم قرار گرفته است. گرایش کشورهای امپریالیستی که هدف فاش حفظ آمریکای لاتین بعنوان حلقه وابسته و قابل بهره‌کشی در اقتصاد جهانی سرمایه‌داری است و گرایش نیروهای ملی و میهن پرست برای

ضعیف‌آین وابستگی و تحکیم اقتصاد ملی. این دو گرایش تا اندازه زیادی مشخص‌کننده وضع در قاره است. در جریان این نبرد است که روند یغریج تحول در اقتصاد وابسته صورت میگیرد. شکل‌های سنتی کنار گذاشته می‌شود و شکل‌های تازه مربوط به سیاست نواستعماری جانشین آنها میگردد. اما در مجموع، تناسب نیروها در پیکار میان امپریالیسم و جنبش انقلابی آزاد بیخبر بسود بخش‌آخیر در حال تخییر است. این جنبش از امکانات مهتر و وسیعتری

رشته‌های اصلی صنعتی (اتومبیل‌سازی، ماشین‌سازی، صنایع الکتریکی و غیره) تامین میکند. با استفاده از روشهای پردیووشی شده برای کنترل (بصورت ارتباطات تکنولوژیک، اعتباری، بازار فروش و نظایر آن)، امپریالیسم میخواهد در برابر مبارزه خلقهای آمریکای لاتین در راه استقلال اقتصادی مواضع غیرقابل عبور بگذارد. انحصارات بین‌المللی استعمار کشورهای آمریکای لاتین را تشدید می‌کنند. موافق ارزیابی بانك بین‌المللی توسعه، در سالهای دهه



برای رویارویی با تحمیلات امپریالیستی برخورد می‌شود. اما نباید به نیروی اقتصادی امپریالیسم در منطقه که مواضع اساسی اقتصادی و سیاسی را در دست دارد کم بها داد. رشد دائمی سرمایه‌گذاریهای مستقیم خارجی (که تنها در دهه هفتاد تقریباً ۴ برابر شده است)، وضع مسلطی را برای سرمایه‌های بین‌المللی بخصوص ربحی

هفتاد، این انحصارات از طریق سود سرمایه-گذاریهای خود حدود هشتاد میلیارد دلار به دست آورد‌اند که بیشتر از مجموع سرمایه‌گذاریهای خارجی در منطقه است. کشورهای آمریکای لاتین همه ساله میلیاردها دلار بر اثر مبادلات نابرابر با کشورهای سرما-بداری پیشرفته، پرداخت ربح گران قروضی دریافت می‌کنند. (بقیه در صفحه ۱۱)

دستها از نیکاراگوئه انقلابی کوتاه

عملیات تخریبی علیه نیکاراگوئه پایان داده شود و واشنگتن نمیخواهد قبول کند که نمیتواند انقلابی را که سخت در توده های مردم و در منطقه ریشه دوانده و دفاع از آن امر هر آزادیخواهی در خراج است، به شکست کشاند.

دوران فعال مایشائی امپریالیسم سپری گشته است. ابتکار تاریخی در دست نیروهائی است که در حال ساختن آینده اند.

مردم نیکاراگوئه نیز سهم خود را در این پیشکار جهانی تحت شعار "میهن یا مرگ" ادا کرده اند و اینبار نیز از آزمایش تاریخی سربلند بیرون خواهند آمد.

کنار مردوران ضد انقلابی در حال جنگ علیه نیروهای مسلح نیکاراگوئه میباشند. با وجود وسعت تجاوز و عملیات وحشیانه از طرف این مردوران نیروهای انقلابی کشور موفق شده اند بسیاری از مزدوران را به هلاکت رسانند و آنها را در بسیاری نقاط به عقب نشینی وادارند. دانیل اورتگا، هم-آهنگ کننده شورای وزیران نیکاراگوئه، در دیداری با یوری آندریف دبیر کل کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی در مسکو اوضاع نیکاراگوئه را با اطلاع مقامات شوروی رساند. اتحاد شوروی همبستگی کامل خود را با دولت و انقلاب نیکاراگوئه اعلام و با محکوم ساختن این تجاوز خواست که به هرگونه

اوضاع در آمریکای مرکزی متشنج گشته است. در بسیاری از مناطق مرزی نیکاراگوئه جنگ شدیدی در جریان است. نیروهای انتظامی کشور در حال دفع تجاوز باند های مزدوران ضد انقلابی هستند. این باندها که از مرز هندوراس به داخل نیکاراگوئه رخنه کرده اند، مجهز به سلاحهای آمریکایی هستند و در اردوگاههای ویژه در هندوراس از طرف مستشاران آمریکائی تعلیم دیدمانند تا علیه حکومت انقلابی در نیکاراگوئه بکار گرفته شوند.

سازمان جاسوسی آمریکا، سیا، در انجام این عملیات تجاورکارانه نظارت مستقیم دارد.

این حادثه تازه ای برای نیروهای انقلابی نیست. اولین باری نیز نیست که ضد انقلاب فراری از کشور سعی کرده است با فعالیت هائی از این دست آب رفته را به جوی بازگرداند. و تنها در نیکاراگوئه نیست که دست جنایتکاران یانکی در کار است. حوادث خلیج خوکها، رویداد های کشور خودمان ایران، در آنگولا، در شیلی و غیره همه بر ای جهانیان نمونه های آشنائی هستند.

استراتژی عمومی امپریالیسم آمریکا در جهت بازستاندن مناطق نفوذ خود در اقصی نقاط جهان و "ابتکار تاریخی" است که از مدت ها پیش از کشف داده اند.

از ساعت های اول پیروزی سان دینستا، امپریالیسم آمریکا از هیچ کوششی برای به شکست کشاندن انقلاب مردمی این کشور فرو گذار نکرده است.

آمریکائیه ها که سوموزا را ۲۵ سال تمام بر گرد مردم این کشور تحمیل کرده بودند، پس از فرار وی و دار و دسته اش، آنها را در هندوراس گرد آوردند و آموزش دادند و آنها را برای چنین روزی آماده نمودند تا "دست مبارک حامیان آزادی در جهان به خون آغشته نگردد".

تمام کوششهای آمریکا برای متزلزل ساختن حکومت انقلابی در نیکاراگوئه تحت ادعای قدیمی "خطر کمونیسم" انجام میگردد. نیکاراگوئه انقلابی در کنار کوبای انقلابی قرار گرفته است و السالوادور نیز بزودی به آنان خواهد پیوسته طبق گفته ریگان "بعد نوبت گواتمالا و دیگران خواهد رسید و این غیر قابل تحمل است." تلاشهای آمریکا نیز درست بدین خاطر است.

به درخواست دولت انقلابی نیکاراگوئه، شورای امنیت سازمان ملل متحد تشکیل جلسه داد. نتایج اوضاع را مورد بررسی قرار دهد. نماینده نیکاراگوئه اسناد و مدارک کافی پیرامون اوضاع و دخالت آمریکا در عملیات خرابکارانه ضد انقلابیون بمسارما ملل ارائه داد. تمام کشورهای دوست فراخوانده شدند مانند تا با همبستگی خود با نیکاراگوئه انقلابی مانع از تعمیق بحران گردند. دولت نیکاراگوئه از هندوراس خواست که به مداخله خود در امور داخلی نیکاراگوئه پایان دهد. طبق گزارش مقامات نظامی نیکاراگوئه، نیروهای منظم ارتش هندوراس نیز در



تقسیمهای خطرناک برای جنوب آفریقا

میان دو کشور را به مرحله جدیدی میرساند. جالب اینکه دگرگین جدید تحت ادعای "خطری که از خارج موجودیت جمهوری آفریقای جنوبی را تهدید میکند" تدارک دیده میشود.

نزاد پرستان پرتوریا و حامیان میکوشند چنین وانمود کنند که اتحاد شوروی برنامه هائی برای مداخله در جنوب آفریقا در پیش دارد. محافل خاکبه در آفریقای جنوبی و ژنرالهای آمریکائی طرحهائی نیز برای پی ریزی یک اتحادیه نظامی در دست تهیه دارند. چیزی که در استراتژی عمومی آمریکا میگنجد.

سمت گیری برای نزدیکی هرچه بیشتر آمریکا و رژیم نزاد پرستان در جنوب آفریقا و آمادگی واشنگتن برای پذیرفتن ژاندارسی قاره آفریقا و تهدید های هسته ای از طرف رژیم پرتوریا، خطر جدیدی برای صلح و امنیت خلیجهای آفریقا و خصوصاً کشورهای مجاور آن در جنوب آفریقا بشمار میزود.

سیاست "همکاری خلاق" با جمهوری آفریقای جنوبی که از طرف دولت ریگان اعلام شده است، پرتوریا را بر آن داشت تا بعضی تغییرات در سیاست نظامی استراتژیک خود وارد سازد. گزارشات مطبوعات حاکی از تشبیه برنامه های عملی از طرف سران نظام آفریقای جنوبی برای "وضع بحرانی احتمالی" است.

در این برنامه ها دخالت مستقیم نظامی آسویکا در نظر گرفته شده است. علاوه بر این کارشناسان نظامی پرتوریا اعلام داشته اند که در موارد اضطراری نباید کاربرد سلاحهای هسته ای را در کار سلاح های متعارفی از نظر دورد داشت.

همکاریهای نظامی آمریکا و رژیم نزاد پرستان پرتوریا تاکنون به ارسال سلاح و تجهیزات و کمک به ایجاد صنایع نظامی در جمهوری آفریقای جنوبی خلاصه میشد. اما سمت گیری کنونی برای استفاده از گسلا سبزه ها "در موارد اضطراری مناسبات جنایتکارانه

بخاطر صلح، در راه زندگی، علیه جنگ هسته ای

«رهنمودهای» امپریالیسم و عملکرد آن

در اطلاعیه کمیته مرکزی حزب توده ایران در مورد بازداشت عدای از اعضا رهبری حزب و از جمله رفیق کیانوری دبیر اول کمیته مرکزی و چند نفر از شخصیت های برجسته ادبی و هنری متسرقی ایران ، از جمله آمده است : «کمیته مرکزی حزب توده ایران از مدتی قبل محتوای توطئه ناجوانمردانه امپریالیسم و ایادی داخلی آن را که بسه اشکال مختلف برای ضربه زدن به حزب توده ایران چیده شده است افشا کرده و انگیزه اساسی این توطئه ها و جرائم و اتهامات و افتراءات منتسبه به توده داده است»

نگاهی هر چند مختصر به نشریاتی که بیانگر نظریات محافل سرمایه داری و انحصاری امپریالیستی بخصوص امپریالیسم آمریکا هستند به روشنی نشان می دهد که «انگیزه این توطئه ها چیست و در پس اتهامات و افتراءات واهی «جاسوسی» و «جعل اسناد» چه چنگ و دندان برای انقلاب ما تیز شده است . این تبلیغات نشان می دهند که چگونه برای رسیدن به این مقاصد شوم ضروری است بی گنجه ترین و ثابت قدم ترین نیروها از گرد انقلاب پراکنده شوند تا راه برای «مرمت روابط» هموار شود . نمونه ای از اینگونه تبلیغات مقاله ایست تحت عنوان «ایران در تلاش مرمت روابطش با آمریکا» که در روزنامه اینترنشنال هرالد تریبون ، شماره هشتم فوریه ، به چاپ رسیده است . ظاهراً این مقاله زمانی نوشته شده است که خبر بازداشت اعضا رهبری حزب توده ایران در اختیار این روزنامه نبوده است و یا هنوز از اجرای این توطئه اطمینان نداشته است . ولی بهر حال نکاتی در این مقاله وجود دارد که به طور حیرت انگیزی به وضوح مواضع و اهداف امپریالیستها را در مورد انقلاب مردم ما بیان می کند . اما آنچه که در این لحظات حساس برای جامعه ما خطرناک و در زمین حال دردناک است آما و آرزوهای امپریالیستها و یا جملات تراویده از قلم نویسندگان مقاله نیست ، بلکه تطبیق بسیاری از «رهنمودهای» امپریالیسم در زمینه های مختلف با واقعیت روند کنونی حرکت سیاست حاکم بر جامعه ماست که راست گرایان آترا با سرعتی باور نکردنی به پیش می رانند . در این مقاله آمده است که «ملاهای حاکم بر ایران شمار علامت به ایالات متحده ، حاکی از امکان بهبود مناسبات با این کشور را افزایش می دهند» و «ایران موافقت کرده است که ۲۶ میلیون دلار بابت غرامت برای اشغال سفارت آمریکا که مدتی طولانی از طرف انقلابیون «لانه جاسوسی» نامیده می شد ، بپردازد» . این روزنامه حتی برای این غرامت ارزش سمبولیک قائل شده و آنرا «تازه ترین اقدام در سلسله اقدامات آشتی جوانه ایران با آمریکا» نامیده است . طبق گزارش این روزنامه ایران به شرکت های آمریکائی که در جریان انقلاب متحمل خساراتی شده اند ، غرامت می

پردازد و مذاکرات مقداتی در لندن برای حل مشکلات بانکهای آمریکائی ، که شرکای بانکی ایرانی شان در سال ۱۹۸۰ ملی شدند ، در جریان است . ولی چیزی که برای این روزنامه در صدر اهمیت قرار دارد اینست که «برای اولین بار مقامات رسمی وزارت امور خارجه آمریکا اجازه دارند که در جلسات کمیسیون مشترک آمریکا و ایران که در راهی تشکیل می شود و هدفش نظارت بر اجرای موافقتنامه هائی است که موجب آزادی گروه گانها گردید ، حضور یابند . هر دو کشور علاقمند اند که تماسها را حفظ کرده و گسترش دهند ، چیزی که حتی یکسال پیش در تهران توفانی به پا می کرد»

بله ، امپریالیستها هنوز «توفان» انقلابی بعد از ملاقات لیبرالها با بیژنسکی را فراموش نکرده اند! بیاد بیاوریم که همان روزها هم باران اتهامات و «باستکی» و «توده های» بر سر دانشجویان مسلمان انقلابی پیرو خط امام باریدن گرفت . این شیوه همیشگی ایادی امپریالیسم و راستگرایان است برای تهی کردن انقلاب از محتوای مردمی و ضد امپریالیستی آن و وسیله ای است که بی شک در آینده نیز بر علیه همه آن مبارزان مسلمان که به تعهد خود در مقابل شعار های عدالت خواهانه انقلاب پایبندند به کار گرفته خواهد شد . این روزنامه در ادامه با خوشحالی مودیانهای از گسترش مبادلات و مناسبات جمهوری اسلامی با غرب یاد کرده می نویسد : «تجارت بین ایالات متحده آمریکا و ایران در حال گسترش است و طی سال گذشته ایران معادل ۱/۱ میلیارد دلار مواد غذایی ، دارویی و صنعتی از آمریکا خریداری کرده و مقدار فاش نشده های نفت خام با قیمتی «گیرا» به این کشور فروخته است و طبق اظهارات منابسی در تهران ، قزاقان های تجاری زیادی نیز در شرف بسته شدن می باشند»

امپریالیستها برای دلگرمی سایر سرمایه داران می نویسند که «موضع جدید ایران در سیاست خارجی آن انعکاس تغییرات داخلی در ایران است که به موجب آن دولت مقداری در سیاست های اقتصادی خود کوتاه آمده و به طبقه متوسط آزادی عمل داده است» . آنها برای ابراز قدردانی از خدمات توکلی و شرکا قانون کار دستنخست آنان را جز اقداماتی در جهت «لیبرالیزه» کردن اقتصاد کشور دانسته اند!

این روزنامه در پایان مقاله خود از قول یک دیپلمات عالی رتبه غربی می نویسد : «غرب سه هدف را دنبال می کند :

- تلاش برای از بین بردن هرگونه همسویی بین ملاها و مسکو»
- پایان دادن به کاهش روابط ایران با غرب
- جان تازه در میدان بر آن ارتباطاتی که بین ایران و غرب وجود دارد و هنوز در آنها روحی

باقیمانده است . این دیپلمات غربی سپس می گوید : «غرب طی ۱۴ ماه گذشته کارنامه رضایتبخشی در سه مورد بالا دارد . دیپلماتهای غربی در تهران سخت در تلاش بوده اند که به ملاها بفهمانند وضعیت افغانستان محتاج توجه بیشتری است . . . ما می خواهیم ملاها از خود این سؤال را بکنند که «چه نیروی است که می تواند صبحانه را در کشور خود بخورد و برای چهار روز در تهران باشد ؟»

این روزنامه سپس می نویسد : «نزدیکی فزاینده ایران با ترکیه و پاکستان ، این متحدان چهار سال قبل ایران در پیمان سنتورا باید با اهمیت ویژه ای در چارچوب روابط جمهوری اسلامی ایران و غرب دید . ترکیه به عنوان متحد پر و پا قرص آمریکا می تواند «به موقع» برای گسترش مذاکرات بین ایران و آمریکا دست یاری دهنده ای باشد» . و بالاخره این روزنامه مقاله خود را از قول یک تاجر ایرانی که با هیئت حاکمه ایران در ارتباط است این گونه پایان می دهد : «ملاها خواهان مرمت روابط خود با ایالات متحده هستند ، منتهمی مشکل موجود اینست که چگونه این کار را بدون دست دادن حیثیت خود انجام دهند»

بخش پایانی این مقاله بتدریج کفایت و نیات پلید امپریالیسم و کارگزاران و ایادی داخلی آنها را با وقاحت هر چه تمامتر بیان می دارد . آنچه دل هر انقلابی نگران سرنوشت انقلاب و نگران وضع زحمتکشان و محرومان جامعه ما را به درد می آورد ، موفقیت روزافزون این شیوه های امپریالیستی در شئون مختلف حیات اجتماعی ، اقتصادی و سیاسی میهن ما است . مردم ایران ، بازماندگان و وارثان دهها هزار شهید به خون خفته که با شعار استقلال ، آزادی و عدالت اجتماعی جان گرانقدر خود را نثار تحقق خواست های محرومان جامعه کردند ، بی شک نیروهای وفادار به آرمانهای انقلاب و شهدای خلق را خوب می شناسند و اتهامات امپریالیسم ساخته بر ثابت قدم ترین نیروهای مدافع انقلاب را حرکتی در جهت یورش به خواستهای خود و بی مقدار کردن خون عزیزان خود می بینند و آنرا نخواهند بخشید . بزرگ مالکان و سرمایه داران بنا بر ماهیت غارتگرانه خود اشتباهی سیر ناپذیری برای غارت و چپاول دارند . آنها چه در داخل و چه در خارج نیروی متحد ضد انقلاب را پشت سر خود دارند . برای مقابله جدی با آنها ، برای حراست از دستاورد های به خطر افتاده انقلاب و برای مصافح بر سر مرگ و زندگی انقلاب ، نیروهای مدافع خصلت ضد امپریالیستی و مردمی انقلاب راهی به جز تلاش در جهت تشکیل جبهه متحد خلقی ندارند . در این مقطع حساس و دشوار کنونی این تلاش و وظیفه وفاداران به آماجهای اساسی انقلاب به ویژه پیروان سمبولیسم علمی و مبارزان انقلابی مسلمان می باشد .

برای مبارزه با امپریالیسم آمریکا ، دشمن اصلی مردم ایران ، متحد شویم!

حزب کمونیست پرتغال خواهان یک چرخش واقعا دمکراتیک



۵ مارس ۱۹۸۳ تالار ورزشی لیسابون، مانند تمام سالهای پهن از سقوط فاشیسم در پرتغال، شاهد یک گرد همائی بزرگ حزب کمونیست پرتغال بود. بیش از هزار نماینده حزبی و چندین هزار اعضای حزب، که دایم سنت همیشگی بعنوان میهمان در کنفرانسهای حزب شرکت می جویند، با مشتبهای گره کرده و افراشته و قریاد های "زنده باد حزب کمونیست پرتغال"، بر تصمیمات کنفرانس ملی مبنی بر پیش کشیدن تاریخ انتخابات پارلمان جدید در ۲۵ آوریل ۱۹۸۳ و سیاست اصولی حزب خود مهر تایید زدند.

رفیق "آلوارو کونیال" دبیرکل حزب کمونیست پرتغال در یک سخنرانی، اوضاع سیاسی کشور را مورد بررسی قرار داد و به توضیح وظایف حزب برای این مرحله از مبارزات پرداخت. وی در این رابطه به نظریات و پیشنهادات بیش از ۲۰۰ هزار کمونیست پرتغالی، که اخیرا در کنفرانسها و گرد همائی های حزبی مطرح شده بود، استناد می جست.

"آلوارو کونیال" در این سخنرانی تاکید کرد، که استعفای دولت "پینو بالزماثو"، فروپاشی "آلیانس دمکراتیک"، متشکل از احزاب بورژوازی بزرگ، منحل شدن پارلمان و پیش آوردن تاریخ انتخابات جدید توسط ریاست جمهوری، از بزرگترین موفقیتهائی است، که در اثر مبارزات چندین ساله کمونیستها، دمکراتهای واقعی و نیروهای میهن دوست، تمهید آنها شده است. بدین ترتیب زمینه لازم برای وارد کردن شکست قطعی به احزاب دست راستی، در انتخابات آینده و دور کردن دست آنها برای همیشه از حاکمیت سیاسی، فراهم گشته است.

در این رابطه نقش و موضعگیری حزب سوسیالیست پرتغال نیز، که در تعیین تکامل آتی کشور سهیم است، حائز اهمیت می باشد. با توجه به این واقعیت، که حزب سوسیالیست تاکنون همیشه با احزاب دست راستی ائتلاف نموده، این مسئله در کنفرانس بصراحت مطرح شد، که این حزب تنها در صورتی می تواند به یک آلترناتیو واقعی دمکراتیک تبدیل شود، که با نیروهای دست راستی قطع رابطه کرده و نهایتا با نیروهای مترقی و خصوصا حزب کمونیست پرتغال همکاری نماید.

آخرین مسئله و مهمترین وظیفه ای، که در کنفرانس مورد بررسی قرار گرفت، این بود که "اتحادیه انتخاباتی خلق" (ای. پی. یو)، متشکل از حزب کمونیست، جنبش دمکراتیک پرتغال، هواداران حفا - ظت از محیط زیست و بسیاری شخصیتهای مستقل سیاسی دیگر، تعداد آرای انتخاباتی و کرسی های خود در پارلمان را حتی المقدور افزایش دهند.

تنها در صورت تشکیل اکثریتی از نیروهای چپ در پارلمان، میتوان سیاستی ارائه نمود، که مشکلات جدی کشور را بر پایه احترام به قانون اساسی و حقوق و آزادیهای دمکراتیک حل کند.

کمونیستها در این کنفرانس یادآوری کردند، که سه دولت "بالزماثو" تا برگزاری انتخابات همچنان در قدرت باقی است و به همین جهت میبایست با تسامح نیرو برای ایزام قوانین دمکراتیک در طی کسارزار

انتخاباتی مبارزه شود. این سؤال که چگونه دولتی باید زمام امور را در دست گیرد، در مرکز ثقل تمام بحث های کنفرانس و بعد از آن قسرا داشت. حزب کمونیست پرتغال اعلام آمادگی نمود که در حکومت آتی شرکت جوید و بدین ترتیب با نمایندگی کردن منافع زحمتکشان پرتغال، به کشور برای برون رفت از بحران کنونی و تثبیت دستاورد های دمکراتیک حاصل از انقلاب ۲۵ آوریل ۱۹۷۴

کمک نماید. حزب کمونیست پرتغال تنها حزب بزرگ کشور است، که با پیشنهادات دستدل برای حل مشکلات اقتصاد، سیاسی و اجتماعی، قابلیت خود را در خدمت صادقانه به خلق پرتغال به اثبات رسانیده است. این مسئله را حتی وسائل ارتباط جمعی بورژوازی نیز وقتی برای مثال از فعالیت کمونیستها در ارگان های محلی صحبت میکنند، اذعان مینمایند. حزب بقیه در صفحه ۱۶

نکاتی از تاریخچه حزب کمونیست پرتغال

- حزب کمونیست پرتغال در ۶ مارس ۱۹۲۱ در لیسبون پایه گذاری شد.
- با کودتای فاشیستی ماه مه سال ۱۹۲۶، دوران ۴.۸ ساله زندگی و فعالیت مخفی این حزب آغاز شد.
- ۱۵ فوریه ۱۹۳۱ "آوانتسه" (به پیش)، ارگان مرکزی حزب برای اولین بار در شرایط فعالیت مخفی انتشار یافت. این روزنامه در سالهای تسلط فاشیسم بر پرتغال، زبان گویای حزب در میان توده های خلق بود.
- از سال ۱۹۳۶ تا ۱۹۳۹ کمونیستهای پرتغال و از جمله رفیق آلوارو کونیال در کنار خلق اسپانیا از جمهوری جوان دفاع می کردند.
- تثبیت روزافزون موقعیت حزب در داخل کشور، محافل حاکمه را مجبور نموده بود، که با موجی از ترور به مقابله با این حزب برخیزند. در سال ۱۹۴۹ رفیق آلوارو کونیال در زندان مخوف "پینشه" محبوس شد، جایی که ۸ سال از دوران ۱۱ ساله مجکومیتش را در یک سلول کوچک انفرادی و کاملا مجزا بسر آورد. وی در سال ۱۹۶۰ به همراه ده تن دیگر از رهبران حزب موفق به فرار از زندان شد.
- رفیق آلوارو کونیال در سال ۱۹۶۱ به سمت دبیرکل حزب انتخاب شد. حزب مبارزه اصلی خود را طی این سالها مصروف به بسیج توده ها و تقویت جنبش ضد فاشیستی می نمود.
- در تاریخ ۲۵ آوریل ۱۹۷۴ رژیم فاشیستی پرتغال توسط نیروهای مترقی ارتش ساقط شد و حزب کمونیست پرتغال توانست با سازماندهی نیروهای خلق در روزهای قیام، نفوذ زیادی در میان توده ها کسب کند.
- بدین ترتیب حزب توانست در اولین دولت موقت بعد از انقلاب آوریل شرکت جوید. در تاریخ ۲۰ اکتبر سال ۱۹۷۴ هفتمین کنگره حزب در شرایط نپین فعالیت علنی در تالار ورزشی لیسبون برگزار شد.
- در سال ۱۹۷۶ هشتمین و در سال ۱۹۷۹ نهمین کنگره حزب برگزار شد و کمونیستهای پرتغال یکبار دیگر تاکید کردند، که از دستاورد های انقلاب آوریل با همه وجود دفاع خواهند کرد.
- یکی از بزرگترین رویداد های تاریخ حزب، برگزاری جشن شصتمین سالگرد بنیانگذاری آن در سال ۱۹۸۱ بود. حزب کمونیست پرتغال امروزه دارای ۲۰۰ هزار عضو است.

راستگرایان افراطی تدارک سرکوب انقلاب را می بینند

بقیه از صفحه ۱
رفیق نورالدین کیانوری ، دبیر اول کمیته مرکزی حزب توده ایران در سال ۱۳۲۷ در دادگاه خلق علیه رژیم محمد رضا شاهی در این باره چنین می گوید :

" ما مبارزان حزب توده ایران ، سربازان راه آزادی هستیم و آنروز که قدم در این راه پر خطر نهادیم ، زندگی خود را وقف کردیم "

شیخون بر سپاه دوست

پرچم سرخی که در این " دادگاهها " سه دست توده ای ها نعل به نعل افراشته نگاه داشته شده است ، پرچمی است ، که در طول تمام تاریخ نبرد خلقهای میهن ما ، مبارزان حق و عدالت - مانی ها ، مزدک ها ، کاوه ها ، بابک ها - بر دوش کشیده اند .
این " دادگاهها " تداوم نبرد خستگی ناپذیر و ابدی نیروی نو علیه نیروی کهن اند .

اما بدون تردید ویژه گی های " دادگاهی " که تدارک آن را راستگرایان می بینند ، قلمه ای است پس بلند از حقانیت نیروی نو ، بالنده و ابدی در مقابل نیروی کهن و محکوم به زوال .
در این " دادگاه " انسانهای شریف ، " یاران روزنه " و " سیاوش های سرفراز از آتش " گذشته ای بر روی نیمکت اتهام دروفین نشانده می شوند ، که سربازان فدائکار " سپاه دوست " انقلاب هستند .

دشمنان زحمتکشان مردم میهن ما ، ما را زخم خورد ارتجاع ، توانسته اند " هجوم بر پایتخت عشق " را به غافلان " بر شاخه نشسته " القاء کنند ، تا آنها " بس " بپزند و بر " قلب پهنده دریای بلند " انقلاب " دام " نهند .

در این " دادگاه " " حلقه های مهربانی " ای بر روی نیمکت های دشمن ساخته و پرداخته اتهام نشانده می شوند ، که " گدازه های آتش - فشان " و " سندانسی " هستند ، که در طول بیست و پنجم سال - طول عمر آگاه یسک - اسان - ما را چکن های چوبینه را شکسته اند .
در این " دادگاه " " پهلوان بدری " بر روی نیمکت اتهام " سیا " و " موساد " و " ساواک " ساخته نشانده می شود ، که کلامش آتشی است ، که " زغال را خاکستر می کند " ، " پهلوان بدری " بر روی نیمکت اتهام دروفین نشانده می شود ، که " جز برای دوستی ، دوستی در این هنگامه بر نیارده ، و جز رفاه و رستگاری ما همه نخواسته و سخن جز برآستی نرانده " است .

در این " دادگاه " " العامن اندیشگانی " بر نیمکت های سپاه اتهام نشانده می شوند ، که " سربازان قدیم آزادی " و " سرداران بی شکست " زحمتکشانند ، " کلید یافته " ای هستند ، که آنرا کارگران از " کف " نخواهند داد و " شب چراغ " به جان تافته ای هستند ، که دهقانان برای روشنی شب تارشان بر " کومه ها " خواهند آویخت .

انبوه هزار بازو که با تابوت تن بر سر دست به امیدی برخاست و اینک بر آسمان مسدود می نگرد

ویژه گی این " دادگاه " ، که دشمنان طبقه کارگر ، زحمتکشان روستا ، روشنفکران انقلابی ، زنان و جوانان میهن دوست ، آری ، دشمنان همه انسان های شریف مذهبی - مسلمانان مبارز - و دیگر اندیشان مدافع انقلاب تدارک می بینند ، در آن است ، که آنها می خواهند این " دادگاه " را به دادگاه خواست های خلق ، به دادگاه اهداف انقلاب برای تحقق استقلال ، آزادی و عدالت اجتماعی تبدیل کنند .

در این " دادگاه " ، تحت پوشش اتهام " جاسوسی " و " جعل اسناد " ،
- خواست کارگران برای قانون کار انقلابی و تامین حقوق کارگران و دیگر زحمتکشان ،
- خواست دهقانان برای اجرای اصلاحات ارضی انقلابی و بهبود زندگی توده های ملیونسی دهقانی ،

- اصول قانون اساسی و به ویژه اصل ۴۹ آن در مورد بازرگانی خارجی دولتی ، نقش درجه اول اقتصاد دولتی در خدمت خلق ، اصل ۲۶ آن برای تامین آزادی فعالیت احزاب سیاسی غیر محارب ، اصل ۲۳ آن برای تامین حق بیان آزاد عقیده ، اصل ۱۰۴ آن برای ایجاد شوراهای واقعی - ابزار حاکمیت خلق - ،
- کوشش برای محدود کردن غارتگری تروریست های اقتصادی ،

- حل مسئله مسکن ، بهداشت و فرهنگ برای خلق
بر نیمکت اتهام نشانده خواهد شد .

آری ، از این نوع هستند آن اتهامات واقعی ای که تحت پوشش دروفین " جاسوسی " در این " دادگاه " علیه " سرداران بی شکست " عنوان خواهند شد !

جرم های سنگین و گدشت ناپذیر این " سر - داران بی شکست " ، این " سرخ ترین گلپای وطن " این " قلب پهنده " انقلاب آن است ، که رفیق کیانوری در ۲۸ اردیبهشت ۱۳۶۱ در نامه سر - گشاده کمیته مرکزی حزب به مقامات جمهوری اسلامی نوشت :

" جرم ما اینست که از دیر زمان راه انقلاب را به درستی تشخیص داد ایم . "

جرم ما اینست که دوستان و دشمنان انقلاب ایران را ، چه در درون میهن و چه در صحنه جهانی به درستی شناخته ایم و با روشنی و پیگیری بر مواضعی که به آن صادقانه معتقد هستیم ، ایستاد ایم .

جرم ما اینست که ماهیت لیبرالها ، میسر - انتظامها ، بنی صدرها ، قطب زاده ها ، بازرگانها ، یزدی ها ، صبیانها ، قاسمی ها و سنجابی ها را به عنوان امید و تکیه گاه امپریالیسم آمریکا ، به موقع افشاء کرد ایم .
جرم ما اینست که از سال ۱۳۵۳ ، پسودون

هراس از عواقب آن برای خود مان ، شرعتمداری - ها را به عنوان نیروی ضد انقلابی به مردم ایران معرفی کرده و از روحانیت و میلمانان مبارز پیرو خط امام خط خمینی پشتیبانی کرد ایم .
جرم ما اینست که سرچشمه اساسی همه جریانات خائفانه و ضد انقلابی را ، که خمسان نظام غارتگر کلان سرمایه داری و بزرگی مالکی وابسته به امپریالیسم است ، شناخته ایم و ماهیت خونخوارش را عریان ساخته ایم . "

کلید یافته و شب چراغ به جان تافته

ویژه گی این " دادگاه " در این هم هست که بستاک افتخاری است بر سر جنبش توده ای و حزب آن ، حزب توده ایران ، حزب طبقه کارگر ایران که به عنوان تنها جریان سیاسی از این دوران نبرد برای تحقق اهداف انقلاب پیروزند و سز بلند بیرون آمده است و خط مشی اصولی ، انقلابی و علمی آن ثبت تاریخ شده است .
ویژه گی این " دادگاه " در این هم هست ، که بستاک افتخار ابدی بر سر " بدری " است ، که سیاوش وار از آتش گذشته و گرمای ابدی سه حزمش داده است .

غافل بر شاخه ای نشسته

ویژه گی این " دادگاه " ، که تدارک آن را راستگرایان و دشمنان توده ای ها و مسلمانان مبارز می بینند ، آن است ، که آنها به دست مسلمانان مبارز مقدم ترین خاکسپرز و سنگر نبرد نو و کهن را مورد هجوم قرار داده اند و قصد تسخیر آن را دارند ، تا بیجاوند راه هجوم به خاکسپرز های بعدی را ، که در پشت آن مسلمانان مبارز سنگر گرفته اند ، باز کنند .

ویژه گی این " دادگاه " ، که تدارک آن را راستگرایان و دشمنان انقلاب ایران می بینند ، در آن است ، که " ابزار " و " استدال " های آنها را دستگا ههای جاسوسی امپریالیستی ساخته و پرداخته اند ، که " تدارک " اتهام " جاسوسی " را آن جنایتکاران حرفه ای امپریالیستی ای تدارک دیده اند ، که جز توطئه علیه انقلاب ما ، هدفی در سر نمی پردازند و اکنون که با القانات خود " بر شاخه " نشستگان را به بین بریدن واداشته اند ، با سکوت تأیید آمیزی به تدارک این " دادگاه " تاریخی نظاره می کنند و در عین حال سگان زنجیری خود - ضد انقلاب فراری - را واداشته اند در روزنامه های خود برای مسئولان جمهوری کف بزنند و از آنها " اعدام " فرزندان خلق را طلب کنند !

هنوز دیر نیست

هنوز دیر نیست ، هنوز مسلمانان مبارز می نند این روند فاجعه آمیز برای انقلاب و برای خود را متوقف کنند و به آن ایست دهند !
مسلمانان مبارزی که خود با این رفقای دربند و یاران آنها نه چندی پیش در همین سلولهای بقیه در صفحه ۱۵

دستاورد های انقلاب پیروز مند: تحولات بنیادی است

بقیه از صفحه ۱

آن با وجود مقاومت ایثارگرا نه خلق در مقابل توطئه های امپریالیستی، از کودتای نظامی تا تجاوز نظامی صدام، از توطئه ناراضی تراشبی تا بعب گذاری، تا کتبون قادر نشده است به اهداف و برنامه های خود به نفع خلق دست یابد و پاسخ لازم را به نیازها و جانفشانی های خلق بدهد. تا کنون چند سال از عمر انقلاب و زحمتکشان تلف شده است و بسر ای نشان دادن آن می توان نمونه های فراوانی ارائه کرد. به قول حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی "سدها" می متعدد ی را می توان بر شمرده که بسته نشد هاند و آبهای فراوانی به هدر رفت.

نخست وزیر: "دولت با دست تهی وهیئت های هفت نفره با پلاتکلیفی با مسئله زمین مواجه اند."

"تنها مسئله زمین نیست، که برای کشور به صورت مسئله قابل بحث درآمده باشد، بلکه مسا- مثل دیگری هم وجود دارند که باید درباره آنها تصمیم گرفته شود."

"با گذشت چهار سال و اندی از پیروزی انقلاب اسلامی، هنوز تازیانه مشکل کمبود و احتکار مسکن بر پشت قشر مستضعف و کیم درآید جامعه اسلامی ما فرود می آید."

(اطلاعات در صحبت با تفضی چند از نمایندگان مجلس.)

اینها نمونه هایی هستند که فقط در یک شماره روزنامه اطلاعات (۲۵ اسفند ۶۱) می توان یافت.

واقعیت دردناک آن است، که نه مسائل کارگری و تامین زحمتکشان شهری، نه مسئله غارتگری های کلان سرمایه داران، که با غارت خلق و دریافت وام های میلیونی و میلیاردی چاق و چله شدند (آیت الله موسوی اردبیلی) حل شده است و نه مسئله زمین برای زحمتکشان روستا و براندازی کلان زمینداری، نه مسئله تجارت خارجی دولتی به نتیجه پیش بینی شده در اصل ۴۹ قانون اساسی رسیده است و نه مسئله توزیع داخلی و کنترل آن توسط دولت در نتیجه، نه بند به دست تروریست های اقتصادی - محترکان و گران فروشان - زده شده است و نه مستاجران را از چنگال سود ججوی بزرگ مسکن داران نجات داد ایم، و نه قیمت ها را تثبیت کرده ایم، نه ۰۰۰۰ نه ۰۰۰۰۰ آنوقت هشدار آیت الله موسوی اردبیلی مفسوم می یابد، که می گوید:

"اگر نتوانیم فقر و محرومیت را ریشه کسن کنیم، در صد بالائی از اسلام را پیاده نکرده ایم."

آنوقت نبود حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی، که مصمم بودن مسلمانان مبارز را برای ادامه نبرد و تحقق خواست های خلق نشان می دهد، مفهوم می یابد، که می گوید:

"بدون شک در جمهوری اسلامی روزی خواهد رسید که تمام صاحبان حق به حقوقشان

میرسند و متجاوزان به بیت المال و حقوق ضعفا و کسانی که بدون حق ثروتی انباشته اند دستهایشان از زمین، منابع و امکانات (متعلق به خلق) کوتاه خواهد شد و ما منتظر فرارسیدن چنین روزی هستیم.

(اطلاعات ۲۵ اسفند ۶۱)

وقت وقت است داوری را

اکنون وقت آن رسیده است، که بررسی و داوری کنیم، که چرا پس از پیروزی عظیم خلق باید "منتظر فرارسیدن چنین روزی" باشیم؟ آیا نبرد رودررونا برابر خلق، که فقط به سلاح جانفشانی و ایمان انقلابی مسلح بود و با دست خالی یک چنین انقلاب عظیم و شکوهمندی را به پیروزی رساند شایستگی دسترسی به این اهداف را نداشت؟ آیا نیروهای مدافع انقلاب، چه مسلمان مبارز و چه پیروان سوسیالیسم علمی، لازم مسئله اتحاد عمل برای دفاع از انقلاب و تعمیق دستاوردهای آن پی نبردند؟ و آنرا بارها و بارها اعلام و تاکید نکردند؟ آیا لازم یک اتحاد عمل همه جانبه بایک برنامه مشخص و در خدمت خلق دیده نمی شد؟ آیا پیروان سوسیالیسم علمی، و در وجه اول حزب نشویده ایران دست دوستی و همکاری بسوی مسلمانان مبارز دراز نکرده بود؟

تجربه چهار سال می آموزد، که پاسخ سؤالیهای فوق و دهها پاسخ دیگر مثبت است. اگر مهمترین "سد"، که تشکیل "جبهه متحد خلق" است، بسته نشد، مسئولیت آن نه به عهده ما توده های ما و یا سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، بلکه به عهده آنهاست است که این دست دوستی را نقشورند و اکنون باید خلق را باز به روز موعود نوید دهند.

"بیراهگی"

باید به دوستان مسلمان مبارز خاطر نشان کرد، که شما، که در دوران تخریب انقلابی رژیم گذشته قادر شدید صورت کربه و چنانکارانسه دشمن را به درستی تشخیص دهید و آنرا به خلق بنمایانید، قادر نشدید برای دوران نسو سازی جامعه به نفع زحمتکشان سیمای دوست انقلاب را تشخیص دهید. شما ندیدید، که انقلاب اجتماعی عظیم مردم میهن ما، که زیر پرچم و تحت رهبری اسلام انقلابی امام خمینی به پیروزی رسید، باید به قیمت پیروزی و بسا شکست خود - قاطعانه و پیگیر و بدون هرتسوخ تعللی بر سر مواضع زحمتکشان یا فشاری کند، مواضعی که امام خمینی، رهبر انقلاب آنرا بارها و بارها و صد ها بار در بیانات خود تصریح کرده بودند، زیرا شما تشخیص ندادید، که مسلمان بودن، شرط انقلابی نبودن نیست! زیرا شما به تشخیص خود پایبند نماندید که مسلمان داریم تا "مسلمان"، اسلام

انقلابی و جانبدار زحمتکشان و مستضعفان داریم و "اسلام" مستکبران و "اسلام آمریکائی" شما این بیان امام خمینی را با پیگیری غلی و نه حرفی دنبال نکردید که: "دو قشر از ملت ستون فقرات کشور و انقلابند. یک قشر کارگر که با مجاهدت پی گیر خود قبل از انقلاب، با اعتصابات دامنه دار خود انقلاب را به پیروزی رساندند و بعد از انقلاب هم آنها هستند که با کوشش خود و جهاد خود در راه اسلام این انقلاب را به پیش بردند. و قشر دوم کشاورزان، کشاورزان و کارگران است استقلال کشور هستند." شما بر سر منافع این "دو قشر"، بر سر تامین و تثبیت منافع این "دو قشر" که "اساس استقلال کشور هستند" یا آنهاست بر سر بحث و گفتگو نشستید، و آنها را "دوستان نادان" انقلاب نامیدید، که با تمام درک و درایتشان، با تمام امکاناتشان به دفاع از منافع دشمنان طبقاتی همین "دو قشر" کشاورز و کارگر برخاسته بودند. آنها شما را به این صحنه کشاندند، زیرا قادر شدند سیمای دوست و دشمن انقلاب را مخدوش سازند، هر مسلمان را "انقلابی" جابزنند و راه نفوذ قطب زاده ها بنی صدرها، امیران نظامها، صادق ها، و کشمیری ها و کلاهی ها را تا کنار دست شما باز کنند و فاجعه بسازند. شما، که قادر نرسدید دست و متحد داخلی و خارجی خود را تشخیص دهید، شما، که قادر نشدید صحنه نبرد را با دشمن طبقاتی تعیین کنید، شما، که زیر فشار شهری ستیزی و توده ستیزی از صحنه اصلی نبرد دور شدید، این امکان را هم از دست داد هاید، که تحولات بنیادی را، که هدف و دستاورد انقلاب پیروز مند است، تحقق بخشید و اکنون مجبورید وده روز موعود را بد هید!

هنگام رسیده است اگر که خواهید

اکنون، چهار سال پس از روزهای که خلق و در درون آن توده های ما به جمهوری اسلامی ایران رای مثبت دادند، شانس نجات انقلاب، شانس عملی تحقق خواستهای خلق، که بر پرچم خوین انقلاب کنده و حک شده است هنوز موجود است! هنوز می توان به این روشد فاجعه آمیز ایستاد، هنوز می توان ترمز خطر را کشید! شما باید، قاطعانه و صریح متحدان واقعی طبیعی و راستین خود را برای این مرحله انقلاب بیابید. این متحدان آن مسلمانان مبارزی هستند، که بدون "اما" و "ولی" جانبدار "کارگران و کشاورزان" هستند. این متحدان پیروان صادقی سوسیالیسم علمی، توده های ما و فدائیان خلق (اکثریت) هستند، که مدافعان راستین منافع زحمتکشان شهر و ده، مدافعان راستین

بقیه در صفحه ۱۳

هواداران حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) چهارمین سالگرد انقلاب ضد امپریالیستی و مردمی ایران را گرامی می دارند

لوس آنجلس

چهار سال از انقلاب شکوهمند بهمن ماه ۱۳۵۷ میگذرد. بدون تردید انقلاب ایران یکی از مهمترین رویداد های سالهای اخیر دنیای ما در نبرد تاریخی رهاشی از تسلط جابرا نه و غارتگرانه امپریالیسم و ارتجاع جهانی میباشد. در طول این چهار سال ایران انقلابی بی نظیر فرار و نشیب ترین دوران تاریخ خود را پشت سر گذاشته است. دورانی سرشار از فداکاری و ایثار خلقی قهرمان و مصمم که بسا رغبری شخصیتی استثنائی چون امام خمینی یکی از دهشتناک ترین دیکتاتورهای قرن را بزیست کشیده است و در راه گسترش و ژرف شدن انقلاب خویشرا از هیچ کوششی فروگذاری نمی کند. در این مراسم شرفت کنندگان و برگزار کنندگان در گفتارهای خود از جمله اظهار داشتند:

چهارمین سال انقلاب در حالی برگزار

می شود که نبرد تاریخی و سرنوشت ساز بین مسلمانان مبارز که حامی منافع زحمتکشسان و مستضعفانند از یک طرف و خط مخالف آن یعنی عناصر و گروههای راست و انحصار طلب و قشری که حامیان بزرگ مالکی و کلان سرمایه داری هستند از طرف دیگر در جریان است. چهارمین سال انقلاب در حالی برگزار می شود که مبارزان را ستین و آبدیده جنبش کارگری ایران، رفقای کمیته مرکزی حزب توده ایران به اتهام های واهی و دروغین ساواک و سیا ساخته متهم شده اند و تحت پیگرد قرار گرفته اند. آنها اظهار امیدواری کردند که پنجمین سال انقلاب شکوهمند ایران، سال تعمیق هرچه بیشتر انقلاب در راه استقلال - آزادی و عدالت - اجتماعی باشد. سالی باشد که همه پیروان راستین سوسیالیسم علمی در ایران بتوانند بسا آزادی کامل در پشتیبانی خود از حقوق مردم و منافع طبقه کارگر ایران و حفظ دستاوردهای انقلاب و تعمیق آن کوشا تر و فعال تر از هر زمانی

شرکت و حرکت کنند. در مراسم بزرگداشت چهارمین سال پیروزی انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی مردم میهن ما در لوس آنجلس توسط هواداران حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در این شهر و با شرکت حزب کمونیست ایالات متحده آمریکا در دانشگاه کالیفرنیا جنوبی بتاريخ شنبه ۱۹ فوریه ۸۳ برگزار شد. همه نیروهای مترقی و پشتیبان انقلاب ایران در شهر لوس آنجلس شرکت کرده و سازمانها و تیرو های مترقی چون: سازمان جوانان دمکرات فلسطین - هواداران جنبه دمکراتیک برای آزادی فلسطین - هواداران جنبش ملی لبنان - انجمن دانشجویان عراقی در آمریکا و کانادا، بخش اتحادیه عمومی دانشجویان در جمهوری عراق - هواداران انقلاب نیکاراگوه - جنبش وسیع برای همبستگی با خلق السالوادور - کمیته همبستگی فاروسود (السالوادور) - کمیته همبستگی با خلق کواتالا - انجمن جوانان کمونیست (ایالات متحده آمریکا) - شورای صلح ایالات متحده آمریکا بخش لوس آنجلس - اتحادیه جوانان دمکرات در عربستان سعودی پیام های تبریک بمناسبت چهارمین سال انقلاب ایران دادند و پشتیبانی و همبستگی خود را بسا مردم قهرمان ایران اعلام داشتند.

رای ۱۸ میلیون ایرانی به فراندیم جمهوری اسلامی ایران برای رسمیت یافتن حکومت مستضعفین بر مستکبرین بود

ایرانی آزاد، آباد و مستقل و تامین آزادیها و حقوق واقعی دمکراتیک و بالاخره انجام يك تحول بنيادی بسود زحمتکشان که مستقيماً از اراده و رای آنان سرچشمه گيرده به نظام جديد - جمهوری اسلامی ایران - قاطعانه رای دادند. و همانطور که در اعلاميه ۱۲ فروردین ۵۸ کمیته مرکزی حزب توده ایران یاد شده، براساسی که ۰۰۰ رای ۱۸ میلیون ایرانی پشتوانه استوار چنین تحول بنيادی است، تحویلی کسه استثمار شوندگان را بر استثمار کنندگان پیروز گرداند.

اموال مصادره شده کلان سرمایه داران و بزرگ مالکان به آنان باز پس داده شده، اینکسه زحمتکشان سر پناهی برای ادامه زندگی نداشته باشند، نه اینکه آنان در کبرها و گود های جنوب شهر با کمبود مایحتاج ضرور برای زندگی، بسا کمبود شرایط لازم بهداشتی، با کمبود آموزش، با کمبود شرایط لازم بهداشتی، با کمبود مواجه شوند و غارتگران مردم در کارخانهها و برجهای عاج همچنان به غارتگری ادامه دهند. خونبهای گرانی را که زحمتکشان ایران در تاسیس جمهوری اسلامی و بنصوب رساندن قانون اساسی، پرداخته اند، از طرف راستگرایان مورد هجوم قرار گرفته است! آنان تمام هم و غمشان در درگروته کردن اهداف این جمهوری و قانون اساسی آن است و سعی و کوشش شان در خشکانیدن ریشه انقلاب!

زحمتکشان ایران به این امید به این جمهوری رای دادند که ریشه های نظام ستم شاهسی یعنی بزرگ مالکی و کلان سرمایه داری برچیده شود و جامعه ای مبتنی بر حقوق حقه زحمتکشان استقرار یابد. زحمتکشان ایران به این امید به این جمهوری رای دادند که دمکراسی به مفهوم واقعی برای آنان استقرار یابد، نه اینکه خودشان و مدافعان راستین آنان با اتهامات واهی به پای سیز محاکمه کشانده شوند و مدافعین سرمایه داری همچنان به غارت آنان بپردازند. کارگران به این امید به این جمهوری رای دادند تا بیکری تورم گرانی، استثمار و بهره کشی سرمایه داران " با آبرو " و " صالح " و " مومن " از بیسن برود. دهقانان به این امید به این جمهوری رای دادند تا اصلاحات ارضی بنيادی و بدون " ذبح شرعی " انجام گيرد، نه اینکه بزرگ مالکان " مشروع " و " مولد " به غارت انسان ادامه دهند. زحمتکشان ایران به این امید به جمهوری رای دادند تا گامهای جسدی در زمینه عدالت اجتماعی برداشته شود نه اینکسه

امروز پس از گذشت چهار سال اهداف انقلاب از هر زمان بیشتر مورد خطر قرار گرفته اند. هنوز نه تنها بی پناهی های اساسی و گزند ناپذیر شالوده ریزی نشده، بلکه آثار کوشش راستگرایان علیه دستاوردهای انقلاب از هر سو نمایان است. از این رو مردم با دلواپسی و تشویق به آینده خود و انقلاب می نگرند.

در آستانه پنجمین سالروز تاسیس جمهوری اسلامی ایران متأسفانه شاهد نقض قانون و سرکوب درگراوندیشان و حتی پیرونده سازی های زشت از طرف نیروهای راستگرا می باشیم. هشدار که آنان خواهان بازگشت رژیم مستبد و وابسته گذشته با ظاهری دیگر می باشند! هشدار به همه مقامات رسمی، همه سازمانها بقیه در صفحه ۱۵

طبق اخباری که به ما رسیده است در روز شنبه ۳۰ بهمن ماه توسط هواداران تشکیلات دمکراتیک زنان ایران در اتریش جشنی بمناسبت چهارمین سالگرد انقلاب شکوهمند مردم ایران در بخش ۹ وین برگزار گردید. در این جشن که بشمار صد نفر از ایرانیان دانشجویان عراقی، ترک و شیلی تقیم و شرکت داشتند، ابتدا سخنانی توسط نماینده تشکیلات در شناسایی انقلاب ایران و پشتیبانی نی زنان از انقلاب ایزاد گردید. سپس نماینده تشکیلات دمکراتیک زنان اتریش و نماینده شیلی از طرف سازمان " تاقیش " پیامهایی مبنی بر پشتیبانی از انقلاب ایران قرائت کردند. آنگاه برنامه هنری توسط ایرانی ها و اتریشی ها انجام شد. در آن اشعاری در باره انقلاب و خونین شهر و یک قطعه نمایشنامه در باره خاطرات جنگ تحمیلی توسط گروه هنسری تشکیلات خوانده و اجرا گردید، که مورد توجه واقع شد. در این مراسم غرفه صنایع دستی ایران همراه با میز اطلاعات و فروش کتاب و نشریات تشکیلات دمکراتیک زنان ایران بزیانهای فارسی و آلمانی مورد بازدید مدعوین قرار گرفت. در پایان اسلاید هائی در باره روز جهانی زن (هشتم مارس) و چگونگی بوجود آمدن این روز نمایش داده شد. مراسم با فریادهای مرگ بر آمریکا دشمن خلقهای جهان بسا پایان رسید.

چگونه آمریکای لاتین علیه فرمانروائی امپریالیسم می رزمند؟

بقیه از صفحه ۴

و غیره از دست میدهند. فشار اقتصادی کشورها امپریالیستی بر آمریکای لاتین در شرایط رکود اقتصادی سالهای اخیر شدت افزایش یافته است. در دورانهای بحرانی، سرمایه‌های انحصاری میکشند بخش بزرگی از بار مشکلات خود را بدوش کشورهای در حال رشد بگذارند، مانع از صدور کالاها و آنها میشوند و برای پرداخت وام‌شرایط بسیار سنگینی میگذارند. و اینک علاوه بر رکود اقتصادی، دیگر پدیده‌های نامطلوب نظیر بحران انرژی، تورم شدید در مراکز سرمایه بین‌المللی نوسانات پی در پی نظام پولی سرمایه‌داری و غیره هم باعث ایراد فشارهای تازه بر کشورهای آمریکای لاتین شده است.

حاصل این سیاست امپریالیستی، تشدید بیشتر حاد وابستگی مالی کشورهای آمریکای لاتین بوده است. مثلا در یون خارجی برزیل در زمان حال بالغ بر ۸۵ میلیارد دلار، مکزیک ۸۲ میلیارد دلار و آرژانتین ۴۲ میلیارد دلار است. مجموع یون خارجی کشورهای منطقه اینک رقمی در حدود ۳۰۰ میلیارد دلار میاشد. در سال ۱۹۸۲ بیش از ده کشور آمریکای لاتین خواستار تجدید مهلت برای بازپرداخت دیون خارجی خود شدند. بطور کلی آمریکای لاتین در حال حاضر با یک بحران حاد مالی دست‌بگریبان است.

طبیعی است که تمام اینها به اقتصاد کشورهای در حال رشد لطمه میزند، مسائل اجتماعی را بغرنجتر میکند و همراه با آن باعث ناپایداری سرمایه‌داری وابسته بعنوان یک نظام میشود. شاهد برجسته این واقعیت رشد مبارزات ضد امپریالیستی در کشورهای آمریکای لاتین است. انفجارهای اجتماعی یکی پس از دیگری، حتی در نقاطی که بظاهر وضع خوبی دارند رخ میدهند. در دهه گذشته، سست‌ترین حلقه در این

نظام سلطه امپریالیستی، کشورهای آمریکای مرکزی بوده که در آنها یوغ بردگی و تبعیض اجتماعی هرگونه حد و مرز را زیر پا گذاشته است. انقلاب در نیکاراگوئه به دیکتاتوری سوموزا پایان داد. دولت انقلابی برای بازسازی زندگی مشغول انجام درگرونیهای عمیق، برقرار کردن و گسترش فعالیت‌های اقتصادی، محو تدریجی فقر و بیکاری و بیسوادی و مبارزه با بیماریهاست.

زمین زیر پای دیگر دیکتاتورهای وابسته به امپریالیسم در آمریکای مرکزی نیز سست میشود. در السالوادور زیر رهبری جبهه آزادیبخش ملی بنام فارابوند وازرتی و جبهه دموکراتیک انقلابی مبارزه‌ای سرسختانه علیه خونتای حاکم انجام میگردد. جنبش ضد دیکتاتوری در گواتمالا گسترش می‌یابد. روند دموکراتیزاسیون در حوزه کارائیب تقریبا ربه اتمام است. طی ده سال گذشته در

اجا دولت‌دولت مستقل تشکیل شده است. آمریکای لاتین در زمان کنونی چهره متنوعی در کنار دولت‌های جوان که بتازگی از

یوغ استعمار خلاص شده‌اند، در منطقه د ولتهای زیادی هم هستند که در قرن گذشته به استقلال سیاسی دست یافته‌اند. راه دراز تحولات سرمایه‌داری را پیموده‌اند. طبیعی است که این امر بر ساختار اجتماعی کشورشان تاثیر بجای گذاشته است. در این کشورها تعداد کثیرالعددهای پرولتاریای شهر و ده وجود دارد که گاه میلیونها انسان را شامل میشود. روشنفکران زحمتکش نیز قشر اجتماعی بزرگی را تشکیل میدهند که منافع آنها در مبارزه با منافع طبقه کارگر بهم نزدیک است. در این کشورها تعداد اتحادیه‌های بزرگ کارگری که از منافع زحمتکشان دفاع میکنند کم نیست. احزاب کمونیست هم سهم بسزایی در سازمان دادن صفوف طبقه کارگر و همه نیروهای دموکراتیک و میهن پرست دارند.

جنبش کارگری در این بخش از جهان در سالهای اخیر نیرو میگیرد. پرولتاریا با شرکت در اقدامات وسیع توده‌ای برای دفاع از منافع

در مبارزه برای تجدید سازمان مناسبات اقتصادی بین‌المللی، کشورهای آمریکای لاتین با کشورهای آزاد شده آسیا و آفریقا همکاری نزدیکی برقرار کرده‌اند. و در مجامع کشورهای در حال رشد صادرکننده مواد خام شرکت میکنند البته امپریالیست‌ها ناظر بری تفاوت این روند که پایه‌های بردگی و بهره‌کشی را در آمریکای لاتین بلرزه در آورده است نیستند. امکانات امپریالیسم برای مقابله با نیروهای دموکراتیک و ترقی خواه هنوز زیاد است.

در سالهای اخیر، ایالات متحده آمریکا برای سرکوب موج فزاینده جنبش ضد امپریالیستی در آمریکای لاتین از وسایل متعدد سیاسی، اقتصادی و حتی نظامی استفاده میکند. در بخش سیاسی خود، برنامه‌های دولت کنونی آمریکا بسوی پشتیبانی همه جانبه از رژیم‌های ارتجاعی و ضد خلقی متوجه است. در بخش اقتصادی - نوحی " نقش مارشال " برای آمریکای لاتین



سیمای شهر سنائو پائولو (برزیل)

طراحی کرده‌اند که شامل تشدید فعالیت انحصارات چند ملیتی و دادن اعتبارات با شرایط اسارت‌آور میباشد. در بخش نظامی نه تنها افزایش ارسال سلاحها و وسایل جنگی بلکه اعزام " مستشاران " و همچنین کاربرد نیروهای داخله سریع در صورت پیدا شدن " وضع فوق العاده " در نظر گرفته شده است. ایالات متحده آمریکا آشکارا د ولتهائی را که گوش بفرمان نباشند به داخله نظامی تهدید میکند.

اما تمام کوششهای واشینگتن نمیتواند مطلب اصلی را بپوشاند. امروزه امپریالیسم قادر نیست به کشورهای آمریکای لاتین برنامه‌های سازنده برای توسعه اجتماعی - اقتصادی پیشنهاد کند. آنچه که کشورهای امپریالیستی در میان میگذارند در حساب آخر عبارتست از " تکمیل " روش‌های گذشته برای حفظ سرمایه‌داری وابسته. این مدل، آنطور که تجربه نشان میدهد، نمیتواند دردهای بزرگ اجتماعی را درمان کند و موجب رهائسی از استثمار، بیکاری و بی‌اعتمادی به‌فردا گردد.

حیاتی خویش باعث پیدایش تغییرات مثبت مثلا در برزیل گردیده است. جنبش اعتصابی در دیگر کشورها هم فعال میشود.

یکی از اشکال جنبش آزاد بیخشن ضد امپریالیستی، مبارزه کشورهای آمریکای لاتین برای درگون کردن نظام اقتصادی جهانی و برقرار کردن نظم جدید اقتصادی برپایه برابری حقوق و عدالت اجتماعی میباشد.

این مبارزه در عمل منجر به ملی کردن تعدادی شرکت‌های بزرگ خارجی گردیده است که بر رشته‌های حساس اقتصادی تسلط داشتند. مثلا در پرو، صنایع نفت، معادن و شیلات دولتی شده است. در ونزوئلا صنایع نفت و گاز و استخراج و ذوب سنگ آهن، در گویان استخراج بوکسیت در مکزیک بانک داری و غیره. در کشورهای که اینگونه تدابیر اتخاذ کرده‌اند، وضع بخشد ولتی اقتصاد خیلی مستحکمتر شده و تاثیر تشویق‌کننده‌اش روی رشد اقتصاد ملی کشور در مجموع افزایش یافته است.

مرگ بر امپریالیسم جهانخوار آمریکا، دشمن اصلی خلق‌های ایران و جهان

قانون اساسی ضامن نشر آزادانه اندیشه ها است

از جمله اصول تفکیک ناپذیر قانون اساسی، تصریحات آن مبنی بر آزادی آراء و عقاید و آزادی احزاب و گروه های سیاسی مدافع انقلاب است. به این واقعیت هر روز بخش وسیعتری از نیروهای انقلابی واقع بین پیوسته می برند که تحت فشار گذاشتن نیروهای پیسر و اصیل سوسیالیسم علمی و معوق ماندن تصمیمات و اصلاحات بسود محرومان و مستضعفان، دوروی یک سکه اند. هر روز این واقعیت بیشتر آشکار می گردد که این تضاد فی نیست که هجوم علیه حزب سوده ایران در همان زمانی شدت می گیرد که جزوات "نهضت آزادی" کسه مخالفتش با انقلاب بر همگان آشکار است با تیرا وسیع در ده های روزنامه فروشی بخش می شود. روزنامه صبح آزادگان اخیرا با تاکید بر لزوم تضمین "آزاد اندیشی" می نویسد: "اگر چنین جو مسمومی در جامعه پدید آید کسه از نشر آزادانه اندیشه های غیر مخراب جلوگیری شده و اطلاعات و انتشارات کانالیزه شود، باید منتظر مرگ اندیشه ها و آزادیها بود. در همین رابطه است که قانون اساسی، خونبهای شهیدان گلگون کفن انقلاب اسلامی مانع و رادعی جهت نشر آزادانه اندیشه های که با اصول اسلامی و موازین شرع منطبق نباشند بوجود نیامده است."

امثال این هشدارها نشان می دهد کسه نگرانی درباره عاقبت زیر پا گذاشتن حقوق و آزادی های مصرحه در قانون اساسی مختص پیروان اصیل سوسیالیسم علمی نیست، بلکه مردم و همه انقلابیون صدیق مسلمان در این نگرانی شریکند.

ترور ریسم اقتصادی - اقتصاد تروریستی

در ماه های اخیر گرانی و افزایش مخارج اولیه زندگی آندر شدت یافته است که دیگر هیچ کس، اگر هم بخواهد، نمی تواند ناپسمانی در این عرصه را منکر شود. همه می دانند که گرانی بیداد می کند. همه می دانند که فشار اصلی گرانی روی دوش زحمتگشان است و بقول امام، "آنهايي که بالا نشینند و از طبقات مستکبر هستند آنها برایشان گرانی و احتکار خیلی مطرح نیست، هم ذخیره ها دارند، هم اموال زیاد. هر قیمتی باشد می توانند تهیه کنند. این مستضعفین هستند که بار این زحمت پذیرش آنهاست و بار انقلاب هم بدوش قسوی و محترم آنها بوده است."

بنابر این حتی سرمایه داران غارتگر و مدافعین منافع آنها نیز نمی توانند بگویند که خیر، گرانی نیست، زحمتگشان از این حیث زیر فشار قرار ندارند و حتی نمی توانند بگویند احتکار وجود ندارد و سود جویی وجود ندارد. پس این سرمایه داران و راستگرایان محافظه کار مدافع غارتگری آنها، برای اینکه سرمایه تجاری را از زیر بقیه در صفحه ۱۳

شما می خواهید چکار کنید؟... شما قانون اساسی را پیاده کنید، بگذارید هرکس می خواهد ناراضی شود بشود. اما اینکه خیال کنید شاید از طرف بعضی روحانیها مطلبی گفته شود این را بدانید، آقایان عزیز، روحانیونی که از ابتدا در انقلاب بودند، همه آنها از شما می خواهند که قانون اساسی را موبو پیاده کنید و هیچگاه از میان روحانیون انقلابی بر علیه شما سخنی گفته نخواهد شد. (تکبیر مردم) "

وی سپس افزود که در صورت مخالفت "روحانیون ضد انقلاب" با اجرای قانون اساسی، قبل از همه روحانیون انقلابی مقابل آنها خواهند ایستاد.

واقعیت این است که سرنوشته نبرد حساد طبقاتی در مین ما، در همه عرصه ها، از اجرای اصلاحات بنیادین تصریح شده در قانون اساسی از ایجاد یک نظام اقتصادی - اجتماعی مردمی، از حلحله بزرگ مالکان و سرمایه داران گرفته تا تضمین حقوق و آزادی های فردی و اجتماعی و آزادی های سیاسی احزاب و گروه های مدافع انقلاب، همه و همه به تحقق یا عدم تحقق اصول مردمی و انقلابی قانون اساسی بستگی دارند. بر این اساس، دستک دفاع از قانون اساسی انون سنکر مقدم دفاع از انقلاب است، و جبهه بندی نیروهای سیاسی - اجتماعی مختلف، بر اساس این محور صورت می گیرد. در حالی که نیروهای انقلابی پیرو راستین خط امام از این گفته شهید بهشتی حرکت می کنند که می گفت:

"همه کسانی که به قانون اساسی را می دادند باید این قانون اساسی را بعنوان مبنای هر گونه حرکت و وحدت بشناسند و مورد احترام و عمل قرار دهند. مردم عزیز ایران!

کمترین بی اعتنائی به قانون اساسی خود را تحمل نکنید! در جامعه ای که به قانون اساسی مصوبه آن ملت بی اعتنائی شود. این خطر وجود دارد که مجددا استبدادها و دیکتاتوریها در شکل های جدید و با ظاهری زیبا و فریبنده در افق ایران آزاد شده رخ بنماید و آزادی و استقلال و مردمی بودن این نظام را، بخاطر افکند. نسبت به حفظ قانون اساسی از هرگونه تخلف و تجاوز حساس باشید."

(جمهوری اسلامی - ۲۸ بهمن ۶۱)

نیروی محافظه کار و راستگرای افراطی بسا جازده آزاد گذاشتن "گردش سرمایه" بجای "اسلام فقهانی" تلویحا خواهان تخییر اصول مردمی قانون اساسی می شوند، در این رابطه آنچه که قابل تکیه است، این است که قانون اساسی یک کل واحد است و همه آنهايي که برخی از اصول آن را، از جمله اصول مربوط به تضمین آزادی سیاسی نیروهای دگر اندیش انقلابی را، عملا بفراموشی می سپارند، خواسته یا نخواست، علیه این کل واحد عمل می کنند.

تاکید آیت الله مشکینی بر لزوم اجرای اصول مردمی قانون اساسی

در جریان رویارویی "خط" ها در حاکمیت جمهوری اسلامی ایران، هر روز که می گذرد اجرا یا بفراموشی سپردن قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بیشتر به محور بحث ها و درگیریها تبدیل می شود، چرا که اگر اصول انقلابی و مردمی قانون اساسی اجرا شود، به قدرت اقتصادی طبقات ظالم و زورگو، سرمایه داران و مالکین ضربه تعیین کننده ای وارد خواهد شد. با توجه به این واقعیت، نیروهای انقلابی واقع بین در حاکمیت جمهوری اسلامی ایران، بطور روز افزون بر لزوم اجرای هر چه سریعتر اصول مردمی و انقلابی قانون اساسی تاکید می کنند.

در نماز جمعه هفته گذشته در شهر قم، آیت الله مشکینی در این رابطه با توجه به سخنان امام در مجلله از کوششینان و نقش آنان در انقلاب گفت:

"وجه دیگر سخن امام با مجلس شورای اسلامی و دولت بود. نمایندگان محترم مجلس و دولت محترم! این اشاره به شما است، مستضعفین را دریابید.

کوششینان ها را دریابید و به سراغ اینها بروید، و پس است، اینها یک عمر زیر ظلم کاخ نشین ها ماندند. اما چگونه دریابید؟ آقایان عزیز، نمایندگان محترم، در این قانون اساسی، که نتیجه فکر، تخصص و چیده اسلام است که نوشته شده و در اختیار شما قرار گرفته است، اصل ۴۵، یک ثروت سرشار و بیکران این کشور را بدست شما می دهد که شما در راه کوششینانها صرف کنید. قدر این اصل را بدانید. آیا این اصل چرا مورد استفاده قرار نمی گیرد؟ یا تعلل می شود، اگر تعلل ندارید اجازه ندهید دیگران تعلل کنند! انجام دهید و همچنین اصل ۴۹، یک ثروت سرشار دست نخورده را در اختیار شما قرار می دهد. چرا اصل ۴۹ را، سر بی فروغتر از تدوین و تصویب نمی نمایند و بدست دولت نمی دهید و وضعفا را از کوشش در نمی آورید؟ و من می دانم شما چرا در فریاد ۲۰۰۰ اگر توفقی باشد می گویم چرا توقف حاصل می شود. از بوق های خارجی می ترسید؟ بوق های خارجی که همیشه علیه شما بوده اند، و من می دانم که آنها نمی ترسید، و اگر علت توقف این است کسه عدای از شما ناراضی می شوند باید بگویم که ایران کشوری است که از ۲۵۰۰ سال پیش فقط در حدود ۵ درصد مردم از دولت راضی و ۹۵ درصد آنان ناراضی بودند، شما اسلام را پیاده کنید اگر آن ۵ درصد از شما ناراضی شوند، ۹۵ درصد از شما راضی خواهند شد. هیچ توقف نکنید! بگذارید این ناراضیها باشند، اینها هیچ وقت راضی نخواهند شد. ۲۰۰۰

دوره هفته‌ای که گذشت

بقیه از صفحه ۱۲
ضربه خارج کننده سعی می‌کنند با عنوان کردن مسایلی از قبیل "احتکار خانگی" "اولا سرمایه داران و مردم را در یک ردیف قرار دهند، ثانیا نابسامانی سیستم توزیع را ناشی از "کمبودهای طبیعی"، "نداشتن بندر"، "مداخلات زیاد یابد دولت در کارها" و "۱۰۰۰ قلم دادند، وثالثا سیاست "ارشاد و نصیحت" در مقابل سرمایه داران را به جمهوری اسلامی تحمیل کنند و حداثر بدست قوه قضائیه چند نفر از محکومین را جریمه و مجازات نمایند.

پیش‌دیده می‌شود که در این میان، آن سلسله انتقاداتها به سیستم توزیع که حاوی تغییر بنیادی نظام اقتصادی - اجتماعی و خلق یک سرمایه‌داری تجاری است، ارزش بخصوصی نسبت می‌کند. مثلا آقای مرتضی المویری نمایندنده دماوند و فیروز کوه می‌گوید:

"به کسانی که اعمال ضد اسلامی و انسانی تروریست‌های اقتصادی را توجیه شرعی می‌کنند می‌گویم، ای برادر این ره که تو می‌خواهی، بی‌روی به مصر و پاکستان است."
ویدین سان بدست‌ت تاکید می‌کند که ادامه غارتگری سرمایه تجاری، به سطح لیل ماهیت نظام جمهوری اسلامی خواهد انجامید.
آیت‌الله موسوی اردبیلی رئیس دیوانعالی کشور نیز بر این نکته تأکید می‌کند که از قوه قضائیه در مورد تروریست‌های اقتصادی پیگیری‌های کاری ساخته نیست و می‌گوید:

"ما در سخنرانی‌ها فریاد کردیم که باید تروریسم اقتصادی از بین برود. این گونه افراد هستند و قوه قضائیه نه تنها با آنها مبارزه نمی‌کند، بلکه باید کلیه این عوامل قلع و قمع شوند و از بین بروند. هر چند به موفقیت چشمگیری دست پیدا نکردیم. (تأکید از ما است.) اگر همین کارها را نیز انجام نمی‌دادیم، آنوقت چه می‌شد، خدا می‌داند."

سخنان آقای موسوی اردبیلی حاکی از آن است که هر چند قوه قضائیه می‌تواند تروریست‌های اقتصادی را تعقیب و مجازات کند (آنهم در ابعاد بسیار محدود)، اما قوه قضائیه به تنهایی نمی‌تواند اقتصاد سرمایه‌داری را که به غارت تروریست‌ها ماب خلق مجبور است از بین ببرد بلکه باین منظور باید:

- تجارت خارجی دولتی شود،
- شبکه توزیع دولتی در کنار شبکه توزیع تعاونی و خصوصی (به صورت مکمل) ایجاد گردد،
- شبکه تعاونی‌های مزدی، بویژه تعاونی‌های محلی، مورد حمایت فعال دولتی قرار گرفته و گسترش یابد،
- کنترل دولتی بر نرخ اجناس و توزیع عادلانه برقرار شود.

بقول آقای فواد کریمی نمایندنده مجلس: "وزارتخانه بازرگانی محکوم و گرانفروش را می‌شناسد ولی به او کالا می‌دهد. خود وزارت بازرگانی هم اکنون دست انحصارات تجاری است. وزارت بازرگانی عامل واسطه‌ها و گرانفروشی است."

وزارت بازرگانی است که سیستمی را در بازار پیاده می‌کند که بجای آنکه کالا را از طریق تعاونی‌های مصرف، به مردم برساند به انحصارات تجاری می‌دهد که با چند برابر قیمت بدست مردم می‌رسد. اگر می‌خواهید این تورم از بین برود اول وزیر بازرگانی و سیاست بازرگانی کشور را تغییر دهید."

آنچه که آقای فواد کریمی را به این نتیجه‌گیری رسانده است، در واقع رویداد های چند ماهه گذشته است که خبر از روند های هشدار دهنده‌ای در درون چندین وزارتخانه و نیز حزب جمهوری اسلامی می‌دهد. بخوبی بیادمان هست که چگونه هنگامی که تخلفات وزارت بازرگانی بر اثر افشاکاری، حجت الاسلام برهانی معاون برکنار شده دادسرای ویژه امور صنعتی مرکز توجه قرار گرفت، حزب جمهوری اسلامی که عملا مسئولیت حادثه را بر عهده دارد، جانبسب وزیر بازرگانی و سیاست وی را گرفت. بخوبی بیادمان هست که آقایان پوراستاد و خاموشی از کلان سرمایه‌داران بازار، با حمایت حزب جمهوری اسلامی به نمایندگی مجلس رسیدند. تمامی این علائم حاکی از آن است که سیاست حاکم بر حزب جمهوری اسلامی، عملا در جهت دفاع از منافع سرمایه تجاری است.

راه بیرون رفت از این بحران، تنها و تنها اجرای قاطعانه اصول مردمی قانون اساسی با تکیه بر حمایت نیروی بیکران خلق است، خلقی که هر کارخانه‌ها، در روستاها، در همه جا، در سنگر دفاع از انقلاب استوار ایستاده است و هجوم به دستاوردهای آن را با نگرانی دنبال می‌کند.

دهقانان زحمتکش به آزادی فئودالها و تحت فشار قرار دادن نیروهای انقلابی اعتراض می‌کنند

آزادی غیر منتظره و دور از انتظار تعدادی از خانها و فئودالهای منطقه مرگور از زندان ارومیه در دی ماه گذشته موجب تعجب و تأسف ما مردم محروم منطقه و نگرانی شدید از عواقب وخیم ناشی از سلطه مجدد این تروریست‌های سیاسی و اقتصادی گردید.

افراد ی که هر کدام پنحوی در توطئه خائنانه براندازی پیدال گذشته ارومیه، در حیف و میل بیت‌المال، در تحویل دادن اسلحه و مهمات به ضد انقلابیون، در همکاری آشکار و نهان با گروهکهای ضد انقلاب، در فراری دادن ساوا وادینها و طاغوتیان، در انتقال و پخش وسیع مواد مخدر و هروئین و هفتاری با شبکه‌های بین‌المللی قلع و آزار و آزار و آزاره‌ساختن صدها و هزارها دهقان محروم منطقه دست داشتند.

و در سال گذشته در رابطه با موارد فوق توسط سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ارومیه و حمایت و پشتیبانی بیدریخ مردم منطقه دستگیر و زندانی شدند.
معلوم نیست آزادی این افراد آن هم پس از پیام ۸ ماده‌ای امام بر روی چه اساس و چسبه

دلیلی بوده است. اکنون این سوال مطرح است که چرا شخص بیگناهی نظیر آن خیسات مرکز به اشاره چند مغرض اعدام میشود. و یا عده‌ای از افراد صادق ولی گول خورده به اعدام و یا حبسهای طولانی محکوم میشوند ولی عاملان این همه جنایت در منطقه آزاد می‌گردند.

از ستاد پیگیری فرمان ۸ ماده‌ای امام تقاضا می‌کنیم ضمن رسیدگی دقیق و جدی به علت آزادی اینگونه افراد، علت عدم خلع سلاح و دستگیری تعداد دیگری از خانهای منطقه را هم بررسی کنند.

فئودالهایی که کارشکنی و مخالفت و توطئه - چینی آنها علیه نهاد های انقلابی بویژه سپاه پاسداران محرز و عیان بوده است باید که بسا اجرای حق و عدالت دست آنها تا ابد از سرما کوتاه گردد.

امضا و اثر انگشت ۱۰۳ تن از دهقانان مرگور کسپان ۲۵ اسفند

قانون کار باید منطبق بر قانون اساسی باشد

ارسال طومارهای کارگران در اعتراض به پیش‌نویس ضد کارگری قانون کار ادامه دارد. در تهران، تنها در دو هفته اول اسفند ماه، دهها طومار با نزدیک به ۱۰۰ هزار امضای کارگران در در پیش‌نویس وزیر کار تهیه شد، از جمله در کارخانه شیشه و گاز با ۱۰۰۰ امضا، کارخانه الیاف با بیش از ۱۰۰۰ امضا، تنها در منطقه کارگری جاده سناوه، توسط قانون بنز خاوره طوماری با ۵۶ هزار امضا، با این خواست که قانون کار بر اساس قانون اساسی و مشارکت نمایندگان واقعی کارگران تهیه شود تهیه و برای مقامات مسئول ارسال شده است.

در خوزستان، کارگران قسمت های مستعجلات و حمل و نقل سنگین (نفت)، کارگران زیر پوشش اهواز (نفت)، کارگران حفاری (نفت) و کارگران کارخانه خانه سازی (از جمله)، بسا تهیه ۳۰ طومار حاوی دهها هزار امضا، همین خواست ها (انطباق قانون کار بر قانون اساسی و مشارکت نمایندگان کارگران در تدوین آن) را مورد تاکید قرار داده‌اند. اینها تنها گوشه‌ای از جنبش اعتراضی وسیع کارگران علیه پیش‌نویس ضد کارگری آقای توکلی است که هر روز، وسعت و عمق بیشتری می‌یابد.

دستاوردهای انقلاب پیروزمند...

بقیه از صفحه ۹
استقلال واقعی کشور، آزادی و عدالت اجتماعی اند. شما باید رهبری حزب ما را در رأس آن رفیق کیانوری را آزاد سازید. بدون این جسارت تاریخی، بدون یافتن متحدان واقعی انقلاب در داخل، بدون یافتن جای انقلاب ما در کنار متحدان خارجی آن، که جبهه ضدامپریالیستی جهانی است، قادر نخواهید شد جمهوری اسلامی را تحقق بخشید که در آن صاحبان حق بسا خفقان بر سرند!

نامه خوانندگان

یورش راستگرایان به حزب ما و بازداشت گروهی از رفقای رهبری حزب و در راس آن رفیق نورالدین کیانوری موجی از ابراز احساس و هم‌دردی بهمراه داشته است. ما نامه‌های شکر-انگیز، اشعار و نقاشی‌های متعددی را دریافت کردیم.

رفقای جدیدی به ما پیوسته‌اند، که "آن اسیری" را "سبب" رهائی خود از دام القاب" توده-ستیزی اعلام می‌کنند.

تازه به جرگه پیوسته‌ای در نامه خود از جمله می‌نویسد:

"درود بر حزب توده، ایران" پس از آنکه عده‌ای از رهبران حزب توده، ایران به جنگال شریه تداران راستگرا اسیر شدند و پای کوی مرتجع‌ترین نیروهای داخلی و خارجی پیش از گذشته نمودار گردید، آخربین شده‌ای کثیف و چرکین القاب" شده از طسرف دشمنان حزب توده، ایران زوده گشت و ایمان به رسالت حزب توده، ایران در تاریخ وجودم ریشه دوانید.

آن اسیری سبب این رهائی گشت و دشمن کور نمیداند که با این عمل ننگین باعث میشود که شک و دودلی در باره حزب توده، ایران بیشتر از گذشته ناپدید شده و عشق و ایمان به ره نمودهای حزب توده، ایران، چراغی برای ما ره‌گم کرده‌گان گردد، تا راه باطل بگذارده و به راه توده‌ها، به راه حزب توده، ایران کام برداریم. آن دستگیری سبب آزادی ما است و این آزادی، هدف فرزندان خلق است و اگر روز اعدام آنان نیز بیاید، میدانم که علاج‌وار در پای جوه دار بگویند که: "معراج سردان بر سر دار است." آری معراجی که بنا برستی است از آخرین روزهای عمر جلادان، باشد که با این رهائی، ها هر چه منجم تر آن بددهای

پوسیده، شک و دودلی را بکنائیم. وی سپهر، با مقایسه نبرد و راه حزب توده، ایران در دفاع از "مکتب" ها، با نبرد مزدک ها و بابک ها، اضافه می‌کند: اینک بر چند ازان راه آزادی و دشمن کینه توز کهنتری و مهتری و پادشاهی در جنگال گندگان امروزی مزدکها اسپرند. اما دشمن جبون و مغرور شده رفقای آزاده ما را با مبتذلترین و کهنه ترین شتمت ها همانا "جاسوسی" به بند می‌کشد، تا بیشتر از گذشته روشن نگردد که چه نیروهایی خواهان و چه نیروهایی دشمن کهنتری و مهتری و پادشاهیند. وی با بیعت و حیثیتی، که از کلامش می‌ترازد می‌افزاید: اما افسوس برخی از دستیاران دشمنان حزب توده، ایران نشه از روی سرسپردگی در برابر امپریالیسم ونه از روی دفاع از کهنتری و مهتری و پادشاهی بسا افتادن به دام دشمن در این راه پر خطر قدم گذاشته‌اند و به جاده صاف کن‌های خدام امپریالیسم کمک می‌رسانند. به زبان مولوی بایستی به اینان گفت:

ما که گرانه اعضاها می‌زنیم

لا جرم قندیلها را بشکستیم
و به زبان افلاطون به دشمنان آگاه و قسوم خورده، انقلاب ایران می‌گوئیم: "حقیقت پرست را شکجه دهید، بشکیده، بپهر حال او از دشمن حقیقت نیرومند تر و خوشبخت تر است."

دوستی از لندن کی نامه زیر را که خطاب به مسلمانان مازر میرو خط امام است، برای ما ارسال داشته. این نامه بدین امضا است: ما در زیر قسمت‌هایی از آن را درج می‌کنیم، زیرا بیان کننده نگرانی همه انسانها، شریف در باره سرنوشته انقلاب و ارتباط آن با حقوق قانونی حزب ما است:

حضرات آیات عظام حجج اسلام پیروان صدیق خط امام به هوش باشید مد انقلاب خرنده برای مسخ انقلاب و از بین بردن جمهوری اسلامی ایران فعالیت خود افزوده و هر روز

پایگاه جدیدی را بدست می‌آورد. روزهای اول انقلاب حجت الاسلام آقای هاشمی رفسنجانی می‌گفتند: "روحانیت و مرتبه انقلاب کرده کشته داده ولی حکومت از دیتش گرفتند. این مرتبه، دیگر نمی‌گذارد حکومت را از دستمان بگیرند."

جناب آقای هاشمی رفسنجانی و برادران پیرو خط امام بیدار شوید این مرتبه خائسین قلدری مثل رضاعان یا پسر خائشر محمد رضا حکومت را از شما نمی‌گیرد. بلکه کسانی در کسوت خود شما یعنی روحانیت و بنام اسلام البسه اسلام آمریکائی حکومت را از شما خواهند گرفت. تاریخ تکرار می‌شود نتیجه، چارو چنگال تبلیغاتی روزنامه‌های مزدور و جنبه ملی و سایر وارده‌های سیاسی که ضمن وارد نمودن اتهام جاسوسی به حزب توده، ایران، می‌تقتند بزودی توده‌های یا نمک شوروی کودتا خواهند کرد کار به تویف و ضرب و جرح و کشتار انضای حزب بوسیله پلیس و نظامیان و چاقو تداران شاه و احزاب وابسته کشد، تا کودتای آمریکائی ۲۸ مرداد شد. امروز این نوطه با تویف سردان حزب توده آغاز، گردیده است.

آقایان محترم بدانید که اگر خدای ناخواسته صد هه‌ای با انقلاب بزرگ مردمی، برخورد شعاعا در مقابل خدا و خلق خدا و تاریخ مسئولیت سنگینی را بعهده دارید و مسئولیت شما هزار بار بیشتر است از مسئولیت جنبه ملی و سایر وابستگان ملی‌گرا که بولکون صدت بظا هر با مردم آیت الله کاشانی و مرحوم دکتر مصدق همکاری می‌کردند ولی در پشت سر با دشمنان آمریکائی و انگلیسی سازش داشتند و بعد از کودتا هم به کمک دستگاه تبلیغاتی آریامپری که مسئولیت شکست نهضت را بحساب حزب توده، ایران گذاشتند و عده‌ای بی اطلاع خوتربار را فریب دادند در صورتیکه حزب توده، ایران نه حکومت ونه قدرت اجرایی را در دست داشت ونه مرحوم دکتر مصدق به راهنمایی‌های آنها توجه میکرد فقط هیئت حاکمه برای خوتربار مد فرستاده، آمریکا آفیسای هرین و سفیران کشور هندرسن هر چه توانست از توده‌های قربانی گرفت. ولی امروز ملت ایران، بی استعد انقلاب کرده ملتیی است که جنگ کرده ملتیی است که قدرت انقلابی پیدا کرده تا آنجا که نگران انقلابات السالوادر و کوبا، آلا و نامی بیا است. این ملت را دیگر نمیشود فریب داد رستم اشتباهات سیاسی و خلافتاریها را بعهده وطن پرستان واقعی گذاشت.

برادران گرامی حزبی که، تجزیه و تحلیل ملی همه اتفاقات را پیش‌بینی نموده و در طبق اخلاص گذاشته و دهها بار توطئه‌های براندازی را کشف نمود و اعضای آن هزاران سال زندان پشت سر دارند به ملت خود خیانت نمی‌کند. هشیار شوید دست خیانت کاران اصلی و واقعی را هر چه زودتر از مملکت نوانه کنید. شما همیشه مردم را بسوی معنویات جلب می‌کنید. بیانیید بحاطر خدا به خود جرات دهید و اعلام نمائید که حزب توده، ایران خادم است نه خائن و نیک‌نامی ابدی را برای خود بیادگار گذارید.

بمناسبت یکصدمین سالگرد درگذشت کارل مارکس

کارل مارکس

پستی است سنگین و مرگ بار
کوینده بر سر سرمایه زبون
کارل مارکس
این "نام" نیست
اندیشه‌ای به وسعت دنیای آدمی است
کوهی است استوار
بحری ست در خروش
امید پر توان دل توده‌های کار

قرنی گذشت ز روزی که کارل مارکس
تاریخ شد به پهنه گسترده زمان
د بیروز... تاریخ می‌نوشت
تاریخ می‌ستیزد و می‌سازد این زمان

ع. آزاده
۲۵ اسفند ۶۱

بر شاخه‌های سبز درختان بارور
اینک برندگان قفسهای زور و زیر
پیچام اوز "بهاران ماندنی"
تکرار می‌کنند
گر بونه‌های نورس باغان رنگ زا
بر برگهای خود
رنگی به دلنوازی امید می‌زنند
اندیشه‌اش کنون
بر پایه‌های سخت ستونهای آهنین
می‌سازد آن بنای معظم و زیبای عصر را
کارل مارکس تنها نه در توان شکوفای عصر ما
کاند در مخیله کودک زمان
نام تجسم فردای دوره‌هاست
قرنی گذشت گرچه زمگی که مرگ نیست
نامش ولی

همبستگی در دفاع از رفیق کیانوری

کمک مالی برای دفاع از جان رفیق نورالدین کیانوری و هم‌زمان در بندش و ایران همبستگی با آنان یک وظیفه عاجل انقلابی است!

رفقا، دوستان و علاقمندان زیادی با ارسال نامه‌ها و پیشنهادهای خود و همچنین کمک‌های مالی به کمک ما برای دفاع از جان رفیق کیانوری در بند شتافته‌اند. ما با تشکر از این دوستان و رفقا، و تا آنجا که صفحات محدود روزنامه اجازه دهد، سعی خواهیم کرد نشانه‌های همبستگی دوستان و رفقای حزب و جنبش توده‌ای را بازتاب دهیم و به ویژه علاقه و عشق عمیقی که نبرد چهل ساله رفیق کیانوری، این "پهلوان پدر" حزب، در بین دوستان و رفقا ایجاد کرده است را به اطلاع خوانندگان "راه توده" برسانیم.

کمک‌های مالی رسیده از دو نفر از دوستان حزب در انگلستان ۵۰۰۰ پوند

ضمناً به اطلاع علاقمندان می‌رسانیم که پوست‌رنگی اندازه DIN-A2 با تصویر رفیق کیانوری چاپ شده و آماده توزیع است. درآمد فروش این پوست‌رنگ صرف تأمین هزینه آکسیونهای جنبش همبستگی با رفقای در بند ما خواهد شد. برای تهیه پوست‌رنگ می‌توانید با آدرس‌نشر به تماس بگیرید.



راستگرایان افراطی تدارک سرکوب...

بقیه از صفحه ۸

زندان در جنگال ساواک و رژیم شاه گرفتار بودند هنوز می‌توانند دست‌تپه‌کار برخاسته را کوشا کنند و انقلاب را از خطر نجات دهند!

پاک و شرافتمندی بازداشت‌شدگان در نبرد چهل ساله آنها علیه رژیم شاه اثبات شده است، میرا بودن آنها را از هر اتهامی صراحت‌کلامشان در دوستی با رزمندگان ضد امپریالیست و مسلحان مبارز و دشمنی آشفتنی ناپذیر آنها با امپریالیسم اثبات کرده است.

هشدار که خاک‌بیزهای بعدی رفسنجانی‌ها، اردبیلی‌ها، گرویی‌ها، برهانی‌ها و خوئی‌ها هستند!

رای ۱۸ میلیون ایرانی به

بقیه از صفحه ۱۰

و گروه‌های سیاسی و همه کسانی که به پیروزی انقلاب علاقمندند:

در برابر تاریخ و در برابر نسل معاصر ایران مسئولیم. اگر امروز بجای مقابله با توطئه‌های امپریالیسم، آب به آسیاب آن‌ریخته شود، اگر امروز بجای تصویب و اجرای قوانین بنیادی برای "رسمیت یافتن حکومت مستضعفین بر مستکبرین" تاخیر شود، اگر امروز کمر بسته تشکیل جبهه متحد خلق بسته نشود، اگر امروز با بسیج مردم راستگرایان از ارگانه‌های حاکمیت بیرون ریخته نشوند، قسراً ادبیر خواهد پیوست.

امید داریم که پنجمین سالروز تاسیس جمهوری اسلامی ایران نوید دهنده این اهدا انقلاب باشد!

زن در جمهوری دمکراتیک خلق یمن

انقلاب ضد استعماری ۱۹۶۸ در یمن باعث شد تا بسیاری از بندهای اجتماعی که قرون متوالی بر پای‌های مردم این شبه جزیره و خصوصاً زنان آن سنگینی میکرد، گسسته شده و چشم‌انداز آینده‌های بهتر در افق آن نمایان گردد.

زنان این کشور که بار سنگین سنت‌های عقب مانده قرون را بردوش میکشیدند انقلاب را در ریحان یافتند بر روی علم و دانش، پایان دادن به نابرابریها و یافتن مقام شایسته خود در جامعه. و به حق، انقلابی که ریشه‌اش در مردم بود و از آنها الهام و نیرو میگرفت توانست انتظار آنان را با مشارکت خودشان برآورده سازد.

دروازه‌های علم و دانش را بر روی آنان گشود و زندگی را با طرحی نوین به آنان شناساند. زنانی که برای ماندن در گوشه خانه شهرداری "خلق شده بودند به عرصه‌های دانش و کار راه یافتند. آموزش دیدند، تعلیم کار و پیشرفت و در پی ریزی آینده میهن و مردم خود شرکت جستند. در کشوری که ۹۰ درصد زنان آن بیسواد بودند، توانستند به آنچنان پیشرفتهایی نائل آیند که اکنون نه تنها تعداد بیسوادان زن بطرز چشمگیری کاهش یافته بلکه نیمی از تمام دانشجویان کشور را نیز دختران تشکیل میدهند. (۷۶۱۷۲۷۲۷ در سال ۱۹۸۲) در عرصه کار و شرکت در فعالیتهای تولیدی نیز حقوق برابر زنان تضمین شده است. زنان در برابر کار متساوی با مردان، مزد متساوی

دریافت میکنند. بیش از ۳۰ درصد تمام شاغلین در رشته‌های صحتی از میان زنانند، تعداد کارخانها مدیران زن دارند. پس از انقلاب تغییرات مهمی در قوانین مدنی کشور پیوسته حاصل شدند. قوانین مربوطه به ازدواج، ارث، سرپرستی کودک در صورت طلاق والدین، همگی به سود زنان تغییر یافته‌اند. چند همسری نیز ممنوع اعلام شده است. مشارکت زنان خصوصاً تحت رهبری اتحادیه عمومی زنان این کشور نقش مهمی در تحولات انقلابی داشته است. فعالیت اتحادیه زنان هم متوجه رفع عقب‌ماندگی‌های ناشی از استعمار طولانی کشور توسط انگلیسها و سلطه حکومت استبدادی سابق است و هم تأمین حقوق زنان و مقابله با پیشداوری‌های سنتی و امتیازات برتر مردان چه در اجتماع و چه در خانواده. فعالیت زنان پیشرو در تمام نقاط کشور با هدف بالا بردن آگاهی زنان و دست‌زدن به ابتکاراتی برای تأمین مشارکت آنان در مبارزه برای حل مسائل اجتماعی و ایجاد آینده‌های نوین انجام میگردد. آنان در کنار فعالیت‌های روشنگرانه، میکوشند تا موسسات رفاهی نظیر مهد کودک و کودکستان و انجمن‌های فرهنگی برای استفاده زنان ایجاد کنند. رشد آگاهی زنان و شرکت‌گسترده آنان در زندگی کشور شمرات ارزنده خود را داشته و چنانکه در زمین دمکراتیک نوین شاهد هستیم، زنان بسیاری در مقامات عالیه حزبی و دولتی انجام وظیفه میکنند.

احزاب برادر و نیروهای ضد امپریالیستی از حزب توده ایران دفاع می‌کنند

بقیه از صفحه ۳

اجراء نمود. فیلم "ایران کشور گل و بلبل نمایش داده شد. پیامهای همبستگی متعددی در این مراسم خوانده شد. از جمله این پیامها، پیام روت مایونی مسکول "کنگره ملی افریقا" در بریتانیا بود که با استقبال شدیدی روبرو شد. از سوی "اتحادیه مختلط کارگران قتی" در منطقه شمال غربی بریتانیا نامه اعتراضی نسبت به دستگیری رفیق نورالدین کیانوری دبیر اول حزب توده ایران و بخشی از اعضای کمیته مرکزی حزب تهیه و توسط مسئولین شعب مختلف اتحادیه در منطقه امضا گردیده بود که خوانده شد. این نامه، همانطور که در فوق نیز عنوان شد، توسط هیئتی از سوی این اتحادیه چند روز بعد مستقیماً به کسولگری ایران در منچستر داده شد.

بفرار باد اتحادیه نیروهای
ضد امپریالیستی
و دمکراتیک ایران
در جبهه متحد خلق



جنایت تازه اونیته

باند های ضد انقلابی اونیته که از مدت ها پیش مشغول قتل و غارت در بعضی استان های آنگولا بوده و به دستن آریابان آمریکایی و آفریقای جنوبی خود علیه دولت مردمی آنگولا به فعالیت های خرابکارانه میپردازند، در هفته گذشته دستپنه عمل جنایتکارانه و بیشرمانه دیگری زدند. آنها در منطقه آلتوکاتومپلا، ۱۶ شهروند جمهوری سوسیالیستی جکسلواکی را که طبق قرارداد دولتی مشغول کار در پروژه های صنعتی در آنگولا بودند، ربودند. بسیاری از ربوده شدگان کودک هستند.

باند ضد انقلابی اونیته با انجام این عملیات وحشیانه ماهیت و چهره ضد انقلابی و جنایتکار خود را یکبار دیگر میان ساخت. تمام دنیا از کمک های گسترده جمهوری آفریقای جنوبی به این باند تروریستی خبردار است، آفریقای جنوبی هم تأمین کننده این باند جنایتکار با اسلحه و مهمات است و هم عملیات آنرا سازماندهی میکند. آمریکا نیز با کمک های مالی خسود سهم مهمی در حفظ این باند تروریستی دارد. دولت آنگولا و جکسلواکی سرگرم بررسی اوضاع و جستجوی طریقی برای آزادی این کارشناسان هستند.

مرحله جدید تسلیحات

ریگان رئیس جمهور آمریکا در یک سخنرانی تلویزیونی ادامه سیاست افزایش تولید تسلیحات از طرف دولت آمریکا را تأکید و برنامه گسترده ای برای تکامل سلاحهای اصحاب جمعی که، مرزهای آن به فضا کشیده خواهد شد، اعلام کرد. طبق این برنامه با مدرنیزه کردن سلاحهای استراتژیک میبایست سیاست زورگویی و تهدید هسته ای به مراحل جدیدی برسد. ریگان مخالفت خود را با جنبش گسترده برای توقف تسلیحات هسته ای اعلام و بر استقرار موشکهای میانبرد هسته ای در اروپای غربی با فشار کرد. وی گفت تنها زمانی با عدم استقرار این موشکها موافقت خواهد کرد که اتحاد

شوروی یا باصطلاح "راه حل صفر" پیشنهادهای وی که آمریکا را در موضع برتری نظامی قرار میدهد موافقت کند.

خبرگزاری تاس محتوای سخنرانی ریگان را کوشش تازه ای برای شروع مرحله جدیدی از مسابقه تسلیحاتی استراتژیکی خواند. و افزود تمام این برنامه ها در جهت افزایش هیستری جنگی به منظر شان تازگنگره برای تصویب برنامه های هسته ای است.

دادگاه بین المللی

دادگاه بین المللی بررسی تجاوز اسرائیل به خاک لبنان که در توکیو پایتخت ژاپن تشکیل جلسه داده بود، اسرائیل و آمریکا را به علت انجام جنایات غیر انسانی و فعالیت علیه صلح مجرم شناخت. این دادگاه افکار عمومی جهان را فرا خواند تا با آوردن فشار، اسرائیل را مجبور کنند تا نیروهایش را از خاک لبنان خارج ساخته و تمام اسیران جنگی و زندانیان سیاسی را آزاد سازد. همچنین حق تعیین سرنوشت خلق فلسطین را برسویت شناخته و تا پشت مرزهای ۱۹۶۷ عقب نشینی کند.

این دادگاه ابراز داشته است که آمریکا با کمک های گسترده و مداوم اقتصادی، دیپلماتیک و نظامی خود به اسرائیل، آنرا برای انجام نقشه های تجاوزکارانه خود ترغیب کرده است.

زنان در اتحاد شوروی

۹۳ درصد زنان قادر به کار در اتحاد شوروی شاغل هستند. از هر سه کارگر ساختمان، یکی زن است. شرکت زنان در رشته های نظیر ماشین سازی، رادیو تلویزیون سازی، انرژی، الکترونیک و غیره نیز بسیار وسیع است. ۸۴ درصد شاغلان در فروشگاهها و رستورانها زنان هستند. در آموزش ملی ۷۴ درصد مشاغل را زنان در دست دارند. در مؤسسات هنری ۷۲ درصد کارکنان زنان هستند. از هر دو مهندس در اتحاد شوروی یکی زن است و دو سوم از تعداد کل اقتصاد دانان اتحاد شوروی زنان میباشند.

در روسیه قبل از انقلاب زنان حق انتخاب کردن و انتخاب شدن در ارگانهای دولتی را نداشتند. اما اینک در ترکیب شورای عالی اتحاد جماهیر شوروی و شوراهای عالی جمهوری ها یک سوم نمایندگان را زنان تشکیل میدهند. در شوراهای محلی نمایندگان خلق، تعداد زنان نصف تعداد کل نمایندگان است. تعداد زنان در شورای عالی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی از

مجموع تعداد نمایندگان زن در تمام مجلس کشور های سرمایه داری بیشتر است.

در مقایسه با پنجاه سال پیش تعداد زنان دارای تحصیلات متوسطه و عالی در اتحاد شوروی صد برابر شده است. ۶۹ درصد از مجموع پیشکام اتحاد شوروی را زنان تشکیل میدهند. در آمریکا این رقم تنها ۷ درصد است. از تعداد کل کارکنان علمی در اتحاد شوروی ۴۰ درصدشان زن هستند، در آمریکا این رقم ۹/۴ درصد است.

رفیق والدک روشه درگذشت

رفیق والدک روشه عضو برجسته رهبری حزب کمونیست فرانسه که از سال ۱۹۶۴ تا هنگام بیماری سختی که در سال ۱۹۶۹ وی را ناچار به کناره گیری از هرگونه فعالیتی نمود، مسئولیت دبیر کلی حزبش را به عهده داشت، روز سه شنبه ۱۵ فوریه سال جاری درگذشت. والدک روشه در سال ۱۹۰۵ زاده شد. پدرش کارگر کفاش رنج دیده ای بود که از روی فقر و اجبار فرزند خود را از ۸ سالگی به یک کشاورز "اجاره" داد. وی در سال ۱۹۲۴ به حزب کمونیست فرانسه پیوست، در سال ۱۹۳۶ به عضویت کمیته مرکزی حزب انتخاب شد و فعالانه در رهبری مبارزه، یجمنکشان کشورش در راه صلح، دموکراسی و سوسیالیسم شرکت جست. اعضا و هواداران حزب توده ایران در فرانسه به درگذشت رفیق روشه پیام تسلیتی به کمیته مرکزی حزب کمونیست فرانسه ارسال نمودند. در این پیام آمده است:

رفقای عزیز، با اندوهی عمیق از درگذشت رفیق والدک روشه آگاه شدیم.

او رهبر کمونیست برجسته ای بود که سراسر زندگی خود را در راه صلح، پیشرفت اجتماعی، دموکراسی و سوسیالیسم بیکار نمود. ما ضمن ابراز تسلیت صمیمانه به شما، خود را در ستایشی که طبقه کارگر فرانسه از فرزند مبارز خویش به عمل می آورد، سهیم می دانیم.

اعضا و هواداران حزب توده ایران در فرانسه

حزب کمونیست پر تعال خواهان یک چرخش ...

تمام وجود و انرژی در خدمت زحمتکشان، مخلص کارگر و سرزمین پدری میباشد. اعلام این موضوع که: "اجازه نخواهیم داد پرتغال به پایگاه سلاح های هسته ای امپریالیسم آمریکا بدل شود." با کف زدن پرشور حاضر روبرو کردید. نمایندگان حاضر در کنفرانس متفقاً حمایت خود را از سیاستی برای استقلال ملی، صلح و همکاریهای سودمند متقابل بین المللی با همه کشورهای اعلام نمودند.

بقیه از صفحه ۷
کمونیست از نفوذ قابل توجهی در میان طبقه کارگر و توده های زحمتکش خلق برخوردار است و به همین جهت بدون ویا علیه کمونیستها، خروج از بحران فعلی میسر نیست.
رفیق آلوارو کونیال در کنفرانس اعلام داشت، کسبه اوضاع کشور وجود چند دستگی و اختلاف نظر بین احزاب پارلمان ثابت میکند، که حزب کمونیست پرتغال در زندگی سیاسی کشور تنها نمونه وحدت، به هم پیوستگی صفوف و دموکراسی درون حزبی است و بسا

RAHE TUDEH
No. 35
Friday, 1 Apr. 83

Winfried Schwarz
Address: **Markgrafenstr. 13**
6000 Frankfurt 90

Price:	England 30	P.	
West-Germany	Belgium 22	Fr.	
1	DM	Italy 600	L.
France 3	Fr.	U.S.A. 40	Cts
Austria 8	Sch.	Sweden 3	Skr.

